|  |
| --- |
| احكام نماز |
|  |  |
| http://namaz.namaz.ir/namaz/images/articles/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B21.jpg**نـمـــاز**  **اهمّيّت نماز**  نماز رابطه انسان با خداست و مايه صفاي روح و پاكي دل و پيدايش روح تقواو تربيت انسان و پرهيز از گناهان است. نماز مهمترين عبادات است كه طبق روايات اگر قبول درگاه خدا شود عبادات ديگر نيز قبول خواهد شد و اگرقبول نگردد اعمال ديگر نيز قبول نخواهد شد. و نيز بر طبق روايات، كسيكه نمازهاي پنجگانه را انجام مي دهد از گناهان پاك مي شود همان گونه كه اگرشبانه روز پنج مرتبه در نهر آبي شست و شو كند اثري از آلودگي در بدنش باقي نمي ماند. به همين دليل، در آيات قرآن مجيد و روايات اسلامي و وصاياو سفارشهاي پيغمبر اكرم(صلي الله عليه وآله) و ائمّه هدي(عليهم السلام)از مهمترين كارهايي كه رويات تأكيد شده همين نماز است و لذا ترك نماز از بزرگترين گناهان كبيره محسوب مي شود.  سزاوار است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و به آن اهمّيّت بسيار دهد و از تند خواندن نماز كه ممكن است مايه خرابي نماز گردد جدّاً بپرهيزد.  در حديث آمده است روزي پيغمبر اكرم(صلي الله عليه وآله) مردي را در مسجد مشغول نماز ديد كه ركوع و سجود را بطور كامل انجام نمي دهد، فرمود: اگر اين مرد از دنيا برود در حالي كه نمازش اين گونه باشد به دين من از دنيا نخواهد رفت.  روح نماز «حضور قلب» است و سزاوار است از آنچه مايه پراكندگي حواس مي شود بپرهيزد، معاني كلمات نماز را بفهمد و در حال نماز به آن توجّه داشته باشد و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه كسي سخن مي گويد و خود را در مقابل عظمت و بزرگي خداوند بسيار كوچك ببيند.  در حالات معصومين(عليهم السلام) آمده است به هنگام نماز آنچنان غرق ياد خدا مي شدند كه از خود بي خبر مي گشتند، تا آنجا كه پيكان تيري در پاي اميرالمؤمنين علي(عليه السلام)مانده بود، در حال نماز بيرون آوردند و آن حضرت متوجّه نشد.  **براي قبولي نماز و كمال و فضيلت آن علاوه بر شرايط واجب بايد امور زير را نيز رعايت كند:**  قبل از نماز از خطاهاي خود توبه و استغفار نمايد و از گناهاني كه مانع قبول نماز است مانند «حسد» و «تكبّر» و «غيبت» و «خوردن مال حرام» و «آشاميدن مسكرات» و «ندادن خمس و زكات» بلكه هر معصيتي بپرهيزد.  همچنين سزاوار است كارهائي كه ارزش نماز و حضور قلب را كم مي كند انجام ندهد، مثلاً در حال خواب آلودگي و خودداري از بول و در ميان سر و صداها و در برابر منظره هايي كه جلب توجّه مي كند به نماز نايستد و كارهايي كه ثواب نماز را زياد مي كند انجام دهد، مثلاً لباس پاكيزه بپوشد، موهاي خود را شانه زند و مسواك كند و خود را خوشبو نمايد و انگشتر عقيق به دست كند.  **نمازهاي واجب**  مسأله 669ـ نمازهاي واجب شش نماز است: 1ـ نمازهاي يوميّه، 2ـ نماز طواف واجب خانه خدا، 3ـ نماز آيات، 4ـ نماز ميّت، 5ـ نماز قضاي پدر و مادر كه بر پسر بزرگتربه شرحي كه مي آيد واجب است، 6ـ نماز نافله اي كه به واسطه نذر و عهد و قسم واجب شده است.  **نمازهاي واجب يوميّه**  مسأله 670ـ نمازهاي واجب يوميّه پنج نماز است: نمازهاي «ظهر» و «عصر» كه هركدام چهار ركعت است، نماز «مغرب» سه ركعت، نماز «عشاء» چهار ركعت و نماز «صبح» دو ركعت، امّا در سفر بايد نماز چهار ركعتي را با شرايطي كه بعداً به خواست خدا مي آيد دو ركعت بخواند.  **اوقات نمازهاي پنجگانه**  **وقت نماز ظهر و عصر**  مسأله 672ـ وقت نماز ظهر و عصر از اوّل ظهر شرعي (يعني مايل شدن خورشيداز وسط آسمان به سوي مغرب) تا هنگام غروب آفتاب است و بهترين راه براي پي بردن به دخول وقت ظهر استفاده از شاخص است و آن اين است كه قطعه چوب صاف يا ميله اي را در زمين هموار بطور عمودي فرو كند، صبح كه خورشيد بيرون مي آيد سايه آن به طرف مغرب مي افتد و هر چه آفتاب بالا آيد اين سايه كم مي شود، هنگامي كه سايه به آخرين درجه كمّي رسيد موقع ظهر است و همين كه رو به زيادي گذارد و سايه به سوي مشرق برگشت اوّل وقت نماز ظهر و عصر است، البتّه در بعضي از شهرها مثل مكه در بعضي از روزهاي سال هنگام ظهر سايه بكلّي از بين مي رود و آفتاب كاملاً عمودي مي تابد، در اين گونه مناطق موقعي كه مجدّداً سايه پيدا شد وقت نماز ظهر و عصر شده است. (1)  مسأله 673ـ نمازهاي ظهر و عصر هر كدام «وقت مخصوص» و «وقت مشتركي» دارد: وقت مخصوص نماز ظهر از اوّل ظهر است تا موقعي كه به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد و وقت مخصوص نماز عصر موقعي است كه به اندازه خواندن يك نماز به غروب باقي مانده باشد و اگر كسي تا اين موقع نماز ظهر را نخوانده نماز ظهر او قضا شده و بايد نماز عصر را بخواند و ما بين اين دو، وقت مشترك نمازظهر و عصراست.  مسأله 674ـ هرگاه پيش از خواندن نماز ظهر سهواً مشغول خواندن نماز عصر شود و در بين متوجّه گردد، چنانچه در وقت مشترك باشد بايد عدول كند، يعني نيّت خود را به نماز ظهر برگرداند و قصد كند آنچه خوانده نماز ظهراست و به همين ترتيب آن را ادامه دهد و بعد از آن كه نماز را تمام كرد نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص ظهر باشد نماز او باطل است و بايد نماز را به نيّت ظهر از سر بگيرد.  **وقت نماز مغرب و عشا**  مسأله 675ـ مغرب موقعي است كه قرص آفتاب در افق پنهان شود و احتياط آن است كه صبر كند تا سرخي طرف مشرق كه بعد از غروب آفتاب پيدا مي شود از بالاي سر بگذرد و به طرف مغرب برگردد، هنگام مغرب وقت نماز مغرب و عشا وارد مي شود و تا نيمه شب ادامه دارد.  ــــــــــــــــــــــــــــ  بايد توجّه داشت كه ساعت 12 هميشه ظهر شرعي نيست، بلكه در بعضي از مواقع سال ظهر شرعي قبل از 12 و گاهي بعد از ساعت 12 است و ساعت 12 ساعت قراردادي و رسمي است نه شرعي.  مسأله 676ـ نماز مغرب و عشاء نيز هر كدام وقت مخصوص و وقت مشتركي دارند، وقت مخصوص نماز مغرب از اوّل مغرب است تا به اندازه سه ركعت و اگر كسي مسافر باشد و تمام نماز عشا را در اين وقت بخواند باطل است، هرچند از روي سهو باشد. و وقت مخصوص نماز عشا موقعي است كه به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب باقي مانده باشد و اگر كسي عمداً تا اين موقع نماز مغرب را تأخير اندازد بايد اوّل نماز عشا را بخواند و بعد نماز مغرب را قضا كند و در ميان اين دو، وقت مشترك است، اگر كسي در اين وقت اشتباهاً نماز عشا را قبل از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز متوجّه شود، نمازش صحيح است و بايد نماز مغرب را بعداً به جا آورد.  مسأله 677ـ وقت مخصوص و مشترك كه معني آن در مسأله پيش گفته شد براي اشخاص فرق مي كند مثلاً براي مسافر در مورد نماز ظهر و عصر و عشا به اندازه دو ركعت است و براي حاضر به اندازه خواندن چهارركعت.  مسأله 678ـ هرگاه از روي غفلت يا فراموشي شروع به نمازعشا كند و در اثنا بفهمد كه نماز مغرب را نخوانده بايد نيّت را به نماز مغرب برگرداند، مگر اين كه وارد ركوع ركعت چهارم شده باشد كه در اين صورت عدول جايز نيست و بايد ادامه دهد و نماز مغرب را بعد به جا آورد.  مسأله 679ـ آخر وقت نماز عشا نصف شب است و احتياط واجب آن است كه شب را از اوّل غروب آفتاب تا اذان صبح حساب كند ولي براي نماز شب و مانند آن تا اوّل آفتاب حساب كند.  مسأله 680ـ هرگاه عمداً نماز مغرب و عشا را تا نصف شب نخواند وقت آن گذشته و بايد قضا كند، امّا اگر به واسطه عذري نخوانده باشد بايد تا قبل از نماز صبح به جا آورد و نماز او ادا است.  **وقت نماز صبح**  مسأله 681ـ وقت اذان صبح (براي نماز و روزه) در شبهاي مهتابي و غير مهتابي يكسان است و معيار، ظاهر شدن نور شفق در افق است، هرچند بر اثر تابش مهتاب نمايان نباشد، و وقت نماز صبح از اوّل طلوع فجر صادق است تا طلوع آفتاب و فجر صادق سپيده صبح است كه در افق پهن مي شود و بهتر است نماز صبح را قبل از روشن شدن هوا در همان تاريكي اوّل صبح به جاآورد.  **احكام اوقات نماز**  مسأله 682ـ هنگامي انسان مي تواند مشغول نماز شود كه يقين به داخل شدن وقت پيدا كند، يا لااقل يك مرد عادل خبر از ورود وقت دهد، اذان شخص وقت شناس و مورد اطمينان نيز كافي است و اگر گمان قوي به دخول وقت از راههاي ديگر پيدا كند نيز كفايت مي كند، خواه از روي ساعت صحيح باشد يا غيرآن.  مسأله 683ـ كساني كه به واسطه وجود مانع در آسمان (مانند ابر و غبار) و يا گرفتاري در زندان و يا نداشتن بينايي چشم، نمي توانند يقين به دخول وقت پيدا كنند، چنانچه گمان قوي داشته باشند مي توانند مشغول نماز شوند.  مسأله 684ـ هرگاه مطابق دستورهاي بالا مشغول نماز شود و در بين نماز بفهمد كه هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است، همچنين اگر بعد از نماز بفهمد كه تمام نماز را پيش از وقت خوانده بايد نماز را اعاده كند، ولي اگر در بين نماز يا بعد از نماز بفهمد وقت داخل شده بود نمازش صحيح است.  مسأله 685ـ هرگاه انسان بر اثر غفلت و فراموشي مشغول نماز شود بي آن كه از دخول وقت با خبر گردد چنانچه تمام نمازش در وقت واقع شده باشد صحيح است و اگر همه يا قسمتي از آن پيش از وقت بود نمازش باطل است.  مسأله 686ـ هرگاه بعد از نماز شك كند نماز را در وقت خوانده يا نه، نماز او صحيح است، به شرط آن كه هنگام شروع نماز غافل از وقت نباشد ولي اگر در بين نماز شك كند، نماز او باطل است و بايد پس از دخول وقت اعاده كند.  مسأله 687ـ در تنگي وقت اگر انجام مستحبّات نماز باعث شود مقداري از واجبات در خارج وقت واقع گردد بايد آن مستحبات را ترك كند (مانند قنوت و اقامه).  مسأله 688ـ كسي كه به اندازه يك ركعت نماز وقت دارد بايد تمام نماز را به نيّت ادا بخواند، ولي تأخيرانداختن نمازتا اين حد حرام است، بنابر اين اگر به اندازه پنج ركعت تا مغرب وقت داشته باشد نماز ظهر و عصر را به نيّت ادا بخواند و به همين ترتيب ساير نمازها.  مسأله 689ـ يكي از مستحبات مؤكد اين است كه نماز را در اوّل وقت فضيلت آن بخوانند و در روايات راجع به آن بسيار سفارش شده است و هرچه به اوّل وقت فضيلت نزديكتر باشد بهتر است.  مسأله 690ـ كساني كه داراي عذري هستند و يقين دارند عذرشان تا آخر وقت برطرف مي شود واجب است صبر كنند و چنانچه يقين داشته باشند عذر باقي مي ماند، صبر كردن واجب نيست، امّا اگر احتمال مي دهند برطرف شود احتياط واجب آن است كه صبر كنند، مگر در مورد تيمّم كه مي توانند در چنين صورتي در اوّل وقت نماز بخوانند.  مسأله 691ـ كسي كه مسائل نماز يا شكيات و سهويّات را نمي داند و احتمال مي دهد در نمازش پيش آيد بايد براي يادگرفتن اينها نماز را از اوّل وقت تأخير بيندازد، ولي اگر اطمينان دارد كه مي تواند نماز را بطور كامل تمام كند جايز است در اوّل وقت مشغول نماز شود.  مسأله 692ـ هرگاه در نماز مسأله اي پيش آيد كه حكم آن را نمي داند مي تواند به يكي از دو طرفي كه احتمال مي دهد به قصد رجاء عمل كند و بايد بعد از نماز مسأله را سؤال كند كه اگر باطل بوده دوباره بخواند (و احتياط آن است طرفي را كه بيشتر احتمال مي دهد بگيرد).  مسأله 693ـ هرگاه ببيند مسجد نجس شده بهتر اين است اوّل مسجد را تطهير كند بعد نماز بخواند، همچنين اگر طلبكاري ايستاده و طلب خود را مطالبه مي كند، اگر نماز و مقدّمات آن وقت زيادي را بگيرد واجب است اوّل تطهير مسجد كند و اداء دين نمايد بعد نماز بخواند، اگر بر خلاف اين دستور عمل كند معصيت كرده ولي نمازش صحيح است و در تنگي وقت، نماز مقدّم است.  مسأله 694ـ مستحبّ است پنج نماز را در پنج وقت به جا آورد، يعني هركدام را در وقت فضيلت خود انجام دهد و تنها فاصله دادن به مقدار نافله يا تعقيبات كافي نيست، بلكه معيار همان وقت فضيلت است.  مسأله 695ـ وقت فضيلت نماز ظهر تا موقعي است كه سايه شاخص به اندازه خود شاخص شود (منظور سايه اي است كه از ظهر به بعد پيدا مي شود) و وقت فضيلت عصر از موقعي كه سايه شاخص به اندازه خود آن است تا موقعي كه به اندازه دو برابر آن شود و وقت فضيلت نماز مغرب از غروب است تا ناپديد شدن حمره مغربيّه (رنگ سرخي كه بعد از غروب آفتاب در مغرب ظاهر مي شود) و وقت فضيلت نماز عشاء از موقعي است كه سرخي مزبور ناپديدمي شود تا يك سوم از شب و وقت فضيلت نماز صبح از اوّل طلوع فجر سپيده صبح است تا موقعي كه هوا روشن شود.  **ترتيب در ميان نمازها**  مسأله 696ـ نماز ظهر و عصر بايد به ترتيب خوانده شود، يعني اوّل نماز ظهر، بعد نماز عصر، همچنين بايد در ميان نماز مغرب و عشا نيز ترتيب رعايت شود و اگر عمداً نماز عصر را پيش از نماز ظهر، يا عشا را پيش از نماز مغرب بخواند باطل است.  مسأله 697ـ هرگاه به نيّت نماز ظهر، نماز را شروع كند و در بين نماز يادش بيايد كه نماز ظهر را خوانده است نمي تواند نيّت نماز را به عصر برگرداند و نماز او باطل است، همچنين در مورد نماز مغرب و عشا، امّا اگر نيّت نماز عصر كند و بعد متوجّه شود كه نماز ظهر را نخوانده هر جاي نماز باشد مي تواند نيّت خود را به ظهر برگرداند، همچنين اگر شروع به نماز عشا كرده و متوجّه شود نماز مغرب را نخوانده اگر قبل از ركوع ركعت چهارم متوجّه شود نيّت را بر مي گرداند، ولي اگر بعد از ركوع ركعت چهارم متوجّه شود نماز را به نيّت عشا تمام مي كند، بعداً نماز مغرب را مي خواند و احتياطاً نماز عشا را نيز اعاده كند.  مسأله 698ـ اگر در اثناء نماز عصر شك كند كه آيا نماز ظهر را خوانده يا نه، بايد به همان دستور كه در مسأله قبل گفته شد عمل كند، يعني نيّت را به ظهر برگرداند و بعداً عصر را بخواند، همچنين اگر در وسط نماز عشاء شك كند كه نماز مغرب را خوانده يا نه، بايد به دستور گذشته عمل كند.  مسأله 699ـ عدول از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب، جايز نيست، ولي عدول از نماز ادا به قضا جايز است و اگر نماز قضا، قضاي همان روز باشد احتياط واجب اين است كه عدول كند و بعد از فراغت از نماز قضا، نماز ادا را بخواند، البته اين در صورتي است كه جاي عدول باقي باشد، مثلاً در صورتي مي تواند نيّت را به قضاي صبح برگرداند كه داخل ركعت سوم از نماز ظهر نشده باشد.  **نمازهاي نافله (مستحب)**  مسأله 700ـ نمازهاي مستحبّي بسيار است و آنها را «نافله» گويند و از ميان نمازهاي نافله، نافله هاي شبانه روزي بيشتر سفارش شده است.  مسأله 701ـ نافله هاي شبانه روزي عبارتند از: نافله ظهر هشت ركعت و نافله عصر نيز هشت ركعت است، نافله مغرب چهار ركعت و نافله عشا دو ركعت است كه نشسته خوانده مي شود، نافله شب يازده ركعت و نافله صبح دو ركعت است و چون دو ركعت نافله عشا يك ركعت حساب مي شود، مجموع اين نافله ها سي و چهار ركعت خواهد بود، ولي در روز جمعه سي و هشت ركعت است زيرا چهار ركعت به نافله ظهر و عصر اضافه مي شود (همه نافله ها دو ركعت دو ركعت خوانده مي شود).  مسأله 702ـ از يازده ركعت نافله شب هشت ركعت را به نيّت «نافله شب» و دو ركعت آن به نيّت «نافله شفع» و يك ركعت به نيّت «نافله وتر» به جا مي آورد.  مسأله 703ـ نافله شب از مهمترين نمازهاي نافله است كه در روايات اسلاميو قرآن مجيد روي آن تاكيد شده و تأثير عميقي در صفاي روح و پاكي قلب و تربيت نفوس انساني وحلّ مشكلات دارد و در كتب معروف دعا، آدابي براي آن ذكر كرده اند، مخصوصاً براي قنوت نافله وتر، رعايت اين آداب خوب است ولي مي توان نماز شب را بدون اين آداب مانند نمازهاي معمولي نيز انجام داد و كسي كه به علّتي نتواند آخر شب بيدار شود و نماز شب را بخواند مي تواند قبل از خواب آنها را به جا آورد.  مسأله 704ـ نماز نافله را مي توان نشسته خواند، ولي در اين صورت احتياط اين است كه هر دو ركعت را يك ركعت حساب كند، مثلاً به جاي هشت ركعت نافله ظهر ايستاده، شانزده ركعت نشسته بخواند.  مسأله 705ـ نافله ظهر و عصر در سفر ساقط است و نبايد خواند و احتياط آن است كه نافله عشارا نيز ترك كند، امّا بقيّه نافله هاي شبانه روزي يعني نافله صبح و مغرب و نافله شب در سفر ساقط نمي شود.  مسأله 706ـ چنان كه گفتيم نمازهاي نافله را بايد دو ركعت دو ركعت انجام داد، جز نافله وتر، كه يك ركعت است و اگر بخواهد نافله وتر رانشسته بخواند بايد دو نماز يك ركعتي جداگانه به جا آورد.  **وقت نافله هاي شبانه روزي**  مسأله 707ـ وقت نافله ظهر قبل از نماز ظهر است، از اوّل ظهر تا موقعي كه سايه شاخص كه بعد از ظهر پيدا مي شود بيشتر از دو هفتم طول شاخص شود، مثلاً اگر طول شاخص هفت وجب است هر وقت مقدار سايه اي كه بعد از ظهر پيدا مي شود بيشتر از دو وجب شود وقت نافله ظهر تمام شده.  مسأله 708ـ وقت نافله عصر كه قبل از نماز عصر خوانده مي شود تا موقعي است كه سايه شاخص به چهارهفتم آن برسد به شرحي كه در مسأله پيش گفتيم.  مسأله 709ـ وقت نافله مغرب بعد از نماز مغرب است تا موقعي كه سرخي طرف مغرب كه بعد از غروب آفتاب پيدا مي شود از بين برود.  مسأله 710ـ وقت نافله عشا بعد از تمام شدن نماز عشا است تا نصف شب و بهتر[141]  است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود.  مسأله 711ـ وقت نافله صبح پيش از نماز صبح است از طلوع فجر تا آشكار شدن سرخي در طرف مشرق و مي تواند آن را بعد از نماز شب بلافاصله به جا آورد.  مسأله 712ـ وقت نافله شب بنابر احتياط از نصف شب است تا اذان صبح، ولي بهتر است در موقع سحر يعني در ثلث آخر شب بخواند.  **نماز غُفيله**  مسأله 713ـ از نمازهايي كه به جا آوردن آن به اميد ثواب پروردگار خوب است نماز غفيله است كه بين نماز مغرب و عشا خوانده مي شود و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا موقعي كه سرخي طرف مغرب از بين برود، در ركعت اوّل بعد از حمد به جاي سوره اين آيه را مي خواند:  «وَ ذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادي فِي الظُّلُماتِ اَنْ لا اِلهَ إلاّ اَنْتَ سُبْحانَك اِنّي كنْتُ مِنَ الظّالِمينَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كذلِك نُنْجِي الْمُؤمِنينَ» و در ركعت دوم بعد از حمد به جاي سوره اين آيه را بخوانند: «وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها إلاَّ هُو وَ يَعْلَمُ ما فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ ما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَة إلاّ يَعْلَمُها وَ لا حَبَّة فِي ظُلُماتِ الاْرْضِ وَ لا رَطْب وَ لا يَابِس إلاَّ في كتاب مُبين» و در قنوت آن بگويند: «اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُك بِمَفاتِحِ الْغَيْبِ الَّتي لا يَعْلَمُهَا إلاَّ اَنْتَ اَنْ تُصَلِّي عَلي مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد وَ اَنْ تَفْعَلْ بِي كذا وَ كذا» و به جاي كلمه كذا و كذا حاجتهاي خود را بگويند و بعد بگويند: «اَللّهُمَّ اَنْتَ وَلِي نِعْمَتِي وَ الْقادِرُ عَلي طَلِبَتي تَعْلَمُ حاجَتي فَأَسْئَلُك بِحَقِّ مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السّلامُ لَمّا قَضَيْتَها لِي».  **مقدمات نماز**  **احكام قبله**  مسأله 714ـ تمام نمازهاي واجب بايد رو به قبله خوانده شود  مسأله 715ـ «خانه كعبه» كه در مكه معظّمه است قبله تمام مسلمين دنياست و هركس در هرجا باشد بايد روبروي آن نماز بخواند، امّا كسي كه دور است اگر طوري بايستد كه بگويند رو بقبله نماز مي خواند كافي است، بنابراين صفهاي طولاني نماز جماعت كه طول آنها از طول خانه خدا بيشتر است همه مي تواند رو به قبله باشد.  مسأله 716ـ لازم نيست در موقع ايستادن، نوك انگشتان پا هم رو به قبله باشد، يا در موقع نشستن، سر زانوها كاملاً رو به قبله قرار گيرد، همين اندازه كه بگويند رو به قبله ايستاده يا نشسته كفايت مي كند.  مسأله 717ـ كسي كه نمي تواند نماز را نشسته بخواند بايد به پهلوي راست طوري بخوابد كه جلو بدنش روبه قبله باشد و اگر آن هم ممكن نيست به پهلوي چپ طوري بخوابد كه جلو بدنش رو به قبله باشد و اگر اين را هم نمي تواند بايد به پشت بخوابد بطوري كه كف پاهاي او رو به قبله باشد.  مسأله 718ـ در نماز احتياط و سجده و تشهّد فراموش شده نيز بايد رو به قبله باشد و در سجده سهو احتياط واجب نيز همين است.  مسأله 719ـ جايز است نماز مستحبّي را در حال راه رفتن و سواره بخواند و در اين حال لازم نيست رو به قبله باشد.  مسأله 720ـ براي تعيين قبله راههاي زيادي وجود دارد: نخست كوشش كند تا يقين حاصل نمايد و نيز مي تواند به گفته دو شاهد عادل و يا يك فرد مورد اطمينان كه از روي نشانه هاي حسّي شهادت مي دهد و يا به قول كسي كه از روي قاعده علمي قبله را مي شناسد و محلّ اطمينان است عمل كند و اگر اينها ممكن نشد بايد به گماني كه از محراب مسجد مسلمانان يا قبرهاي آنان يا از راههاي ديگر پيدا مي شود عمل نمايد.  مسأله 721ـ قبله نماهاي معمولي در صورتي كه سالم باشد از وسايل خوب براي شناخت قبله است و گمان حاصل از آن كمتر از گمان از راههاي ديگر نيست، بلكه غالباً دقيق تر است.  مسأله 722ـ به گفته صاحب منزل يا مسؤول يك مسافرخانه و مانند آن در صورتي كه فرد بي مبالات نباشد مي توان اعتماد كرد.  مسأله 723ـ هرگاه راهي براي پيدا كردن قبله وجود نداشته باشد و قبله در ميان چهار سمت مختلف مردّد شود يك نماز به يك طرف كافي است، ولي احتياط مستحب آن است كه چهار نماز به چهار طرف بخواند و هرگاه در سه طرف يا دو طرف احتمال وجود قبله را مي دهد فقط به سمت آنها نماز بخواند.  مسأله 724ـ كسي كه مي خواهد به چند طرف نماز بخواند اگر بخواهد نماز ظهر و عصر يا مغرب و عشا را به جا آورد بهتر آن است نماز اوّل را به چند طرف تمام كند بعد نماز دوم را شروع نمايد.  مسأله 725ـ سر بريدن حيوانات نيز بايد رو به قبله باشد و هرگاه قبله را پيدا نكند بايد به گمان خود عمل نمايد و اگر تحصيل گمان ممكن نيست و نياز به سر بريدن حيوان دارد به هر طرف كه انجام دهد صحيح است و در مورد دفن مسلمان كه بايد رو به قبله باشد نيز به همين ترتيب بايد عمل كرد.  **آداب و احكام مسجد**  مسأله 823ـ نجس كردن مسجد حرام است، خواه زمين مسجد باشد و يا سقف و بام و طرف داخل ديوارها و احتياط واجب آن است كه طرف بيرون ديوار مسجد را هم نجس نكند، مگر آن كه واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.  مسأله 824ـ هرگاه مسجد نجس شود بر همه لازم است كه بطور واجب كفائي نجاست را برطرف كنند، يعني اگر يك يا چند نفر اقدام به تطهير كنند از ديگران ساقط مي شود وگرنه همه گنهكارند و كسي كه مسجد را نجس كرده در اين حكم با ديگران تفاوتي ندارد.  مسأله 825ـ هرگاه نتواند مسجد را تطهير كند مثل اين كه مسافر و در حال عبور باشد، يا احتياج به كمك دارد و پيدا نكند، احتياط واجب آن است كه به ديگران كه مي توانند تطهير كنند اطّلاع دهد.  مسأله 826ـ هرگاه جايي از مسجد نجس شود كه تطهير آن بدون كندن يا خراب كردن ممكن نيست بايد آنجا را بكنند، يا اگر خرابي زيادي لازم نمي آيد خراب نمايند و بنابر احتياط واجب جايي را كه كنده اند يا خراب كرده اند به حالت اوّل بازگردانند و بهتر است كسي كه نجس كرده تعمير آن را بر عهده گيرد و اگر مخارجي داشته باشد بنابر احتياط واجب ضامن است.  مسأله 827ـ هرگاه مسجدي را غصب كنند و آن را از صورت مسجد بكلّي در آورند، بطوري كه ديگر به آن مسجد نگويند، باز هم نجس كردن آن بنا بر احتياط حرام است و تطهير آن لازم است.  مسأله 828ـ آلوده كردن حرم پيامبر(صلي الله عليه وآله) و امامان(عليهم السلام) اگر موجب هتك باشد حرام است و در اين صورت تطهير آن نيز واجب است، بلكه اگر بي احترامي هم نباشد احتياط آن است كه آن را تطهير كنند.  مسأله 829ـ نجس كردن فرش مسجد نيز حرام است و چنانچه نجس شود بايد آن را تطهير كرد و اگر خسارتي لازم آيد كسي كه آن را نجس كرده است ضامن است  (بنابر احتياط واجب).  مسأله 830ـ بردن عين نجاست مانند خون و بول در مسجد حرام است هر چند بي احترامي به مسجد نباشد بنابر احتياط واجب، مگر چيز جزئي كه گاه در لباس و بدن شخص وارد شونده يا در لباس بچّه هاي كوچك است، امّا بردن متنجّس (چيزي كه نجس شده مانند لباس و كفش نجس) در صورتي كه بي احترامي به مسجد نباشد و سبب آلودگي مسجد نيز نشود حرام نيست.  مسأله 831ـ اگر براي روضه خواني و مراسم سوگواري يا جشن مذهبي و مانند آن مسجد را چادر بزنند و سياهي بكوبند و اسباب چاي و غذا در آن ببرند، در صورتي كه اين كارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود اشكال ندارد.  مسأله 832ـ تزيين كردن مسجد به طلا اشكال دارد و همچنين احتياط آن است كه صورت چيزهايي كه روح دارد مثل انسان و حيوان در مسجد نقش نكنند.  مسأله 833ـ اگر مسجد خراب شود نمي توانند زمين آن را بفروشند يا داخل ملك و جادّه كنند، حتّي فروختن در و پنجره ها و چيزهاي ديگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود بايد آنها را صرف تعمير همان مسجد كنند و هرگاه به درد آن مسجد نخورد بايد در مساجد ديگر صرف شود و اگر به درد مساجد ديگر نيز نخورد بايد آن را بفروشند و پولش را اگر ممكن است صرف تعمير همان مسجد و گرنه صرف تعمير مسجد ديگر نمايند.  مسأله 834ـ ساختن مسجد مستحبّ است و هر قدر در جاي مناسبتر و بهتري باشد كه مسلمانان از آن بيشتر استفاده كنند بهتر است. تعمير مسجد نيز مستحبّ است و از بهترين كارها است و اگر مسجد طوري خراب شود كه تعمير آن ممكن نباشد مي توانند آن را بكلّي خراب كنند و دوباره بسازند.  مسأله 835ـ مسجدي كه خراب نشده و قابل استفاده است اگر نياز به توسعه دارد مي توان آن را خراب كرد و بهتر و بزرگتر ساخت.  مسأله 836ـ تميز كردن مسجد و روشن كردن چراغ آن و كوشش در تأمين حوائج آن مستحبّ است و نيز مستحبّ است كسي كه مي خواهد به مسجد برود خود را خوشبو كند و لباس پاكيزه بپوشد و ته كفش خود را به هنگام ورود به مسجد وارسي كند كه آلوده نباشد و شايسته است موقع داخل شدن پاي راست و موقع بيرون آمدن پاي چپ را بگذارد و زودتر به مسجد آيد و ديرتر از مسجد بيرون رود.  مسأله 837ـ وقتي انسان وارد مسجد مي شود مستحبّ است دو ركعت نماز به قصد تحيّت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب يا مستحبّ ديگري بخواند كافي است.  مسأله 838ـ خوابيدن در مسجد و سخن گفتن درباره كارهاي دنيا و خواندن اشعاري كه نصيحت و مانند آن در آن نباشد مكروه است و همچنين انداختن آب دهان و بيني و اخلاط سينه در مسجد و بلند كردن صدا و داد و فرياد و آنچه با موقعيّت مسجد منافات دارد مكروه مي باشد.  مسأله 839ـ راه دادن بچّه و ديوانه به مسجد مكروه است ولي در صورتي كه آوردن بچّه ها توليد مزاحمتي نكند و آنها را به مسجد و نماز علاقه مند سازد مستحبّ است و گاه واجب.  مسأله 840ـ كسي كه سير و پياز و مانند اينها خورده و بوي دهانش مردم را آزار مي دهد مكروه است به مسجد برود.  **اذان و اقامه**  مسأله 841ـ مستحبّ است پيش از نمازهاي يوميّه اذان و اقامه بگويند وبهتر است حتّي الامكان ترك نشود، مخصوصاً «اقامه»، ولي براي نماز عيد «فطر» و «قربان» و نمازهاي واجب ديگر، اذان و اقامه نيست، بلكه سه مرتبه به اميد مطلوبيّت پروردگار بگويند «الصّلاة» و نيز مستحبّ است به عنوان تبرّك و اميد ثواب در روز اوّل كه بچّه به دنيا مي آيد، يا پيش از آن كه بند نافش بيفتد در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگويند.  مسأله 842ـ اذان داراي 18 جمله است به ترتيب زير:  اَللّهُ اَكبَرُ چهار مرتبه (يعني خداوند بزرگتر از آن است كه به وصف آيد).  اَشْهَدُ اَنْ لا اِلَهَ إِلاَّ اللّهُ دو مرتبه (يعني گواهي مي دهم غير از خداوند يكتا معبود ديگري نيست).  اَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ دو مرتبه (يعني گواهي مي دهم كه محمّد فرستاده خداست).  حَي عَلَي الصَّلاةِ دو مرتبه (يعني بشتاب به سوي نماز).  حَي عَلَي الْفَلاحِ دو مرتبه (يعني بشتاب به سوي رستگاري).  حَي عَلي خَيْرِ الْعَمَلِ دو مرتبه (يعني بشتاب به سوي بهترين كارها كه نماز است).  اَللّهُ اَكبَرُ دو مرتبه (يعني خداوند بزرگتر از آن است كه به وصف آيد).  لا اِلَهَ إِلاَّ اللّهُ دو مرتبه (يعني هيچ معبودي جز خداوند يكتا نيست).  و اقامه 17 جمله است به اين ترتيب كه همه چيزش مانند اذان است جز اين كه در اوّل آن فقط دو مرتبه «اَللّهُ اَكبَرُ» مي گويند و در آخر آن يك مرتبه «لا اِلهَ إِلاّ اللّهُ» ولي بعد از گفتن «حَي عَلَي خَيْرِ الْعَمَلِ»، دو مرتبه «قَدْ قامَتِ الصَّلاةُ» ( يعني نماز برپا شد) اضافه مي شود.  مسأله 843ـ «اَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّاً وَلِي اللّهِ» (يعني گواهي مي دهم كه علي ولي خدا بر همه خلق است) جزء اذان و اقامه نيست، ولي خوب است بعد از «اَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ» به قصد تبرّك گفته شود، لكن به صورتي كه معلوم شود جزء آن نيست.  **مواردي كه اذان گفتن ساقط مي شود**  مسأله 844ـ در پنج مورد اذان ساقط مي شود و بنابر احتياط واجب بايد آن را ترك كرد: 1ـ اذان نماز عصر روز جمعه هنگامي كه با نماز جمعه همراه خوانده شود. 2ـ نماز عصر روز عرفه كه روز نهم ذي الحجّه است هنگامي كه همراه ظهر خوانده شود.  3ـ نماز عشاي شب عيد قربان براي كسي كه در مشعرالحرام است و آن را با مغرب همراه مي خواند. 4ـ نماز عصر و عشاي زن مستحاضه كه بايد آن رابلافاصله بعد از نماز ظهر يا مغرب بخواند. 5ـ نماز عصر و عشاي كسي كه نمي تواند از بيرون آمدن بول و غائط خودداري كند.  بطور كلّي هر نمازي كه با نماز قبل همراه خوانده شود اذان آن ساقط مي شود و فاصله شدن نافله و تعقيب كافي نيست، ولي اگر نمازها را جدا از هم هر يك را در وقت فضيلت خود به جا آورند اذان و اقامه هر دو مستحبّ است.  مسأله 845ـ در نماز جماعت اگر يك نفر اذان و اقامه بگويد براي همه كافي است و بقيّه بنابر احتياط واجب بايد اذان و اقامه را ترك كنند.  مسأله 846ـ هرگاه براي خواندن نماز جماعت به مسجد رود و ببيند نماز جماعت تمام شده، ولي صفها هنوز به هم نخورده است احتياط آن است كه براي نماز خود اذان و اقامه نگويد، به شرط اين كه براي جماعت اوّل اذان و اقامه گفته شده باشد.  مسأله 847ـ در جايي كه عدّه اي مشغول نماز جماعتند يا نماز آنان تازه تمام شده و صفها به هم نخورده است اگر كسي بخواهد فرادي يا با جماعت ديگري كه برپا مي شود نماز بخواند اذان و اقامه از او ساقط است به شرط اين كه براي آن نماز اذان و اقامه گفته باشند و نماز جماعت صحيح باشد و هر دو نماز در يك مكان و هر دو ادا و مربوط به يك وقت و در مسجد باشد.  مسأله 848ـ كسي كه اذان ديگري را مي شنود مستحبّ است هر جمله را كه مي شنود بازگو كند، بازگو كردن اقامه نيز به اميد ثواب مستحبّ است (و آن را حكايت اذان و اقامه گويند).  مسأله 849ـ اگر مرد اذان زن را بشنود اذان از او ساقط نمي شود، ولي اگر زن اذان مرد را بشنود اذان از او ساقط مي شود.  مسأله 850ـ در جماعتي كه مردان و زنان شركت دارند اذان و اقامه نماز جماعت را بايد مرد بگويد، ولي در جماعت زنان اذان و اقامه زنان كافي است.  مسأله 851ـ هرگاه كلمات اذان و اقامه را بدون ترتيب بگويد، مثلاً «اَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدَاً رَسُولُ اللّهِ» را قبل از «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلَهَ إِلاَّ اللّهُ» بگويد، بايد برگردد و ترتيب را رعايت كند.  مسأله 852ـ ميان اذان و اقامه بايد زياد فاصله ندهد و اگر فاصله بقدري باشد كه اقامه مربوط به آن اذان حساب نشود دوباره بگويد و همچنين ميان اذان و اقامه با نماز نبايد زياد فاصله شود و اِلاّ اذان و اقامه را اعاده نمايد.  مسأله 853ـ اذان و اقامه بايد به عربي صحيح گفته شود، بنابراين اگر غلط بگويد، يا ترجمه آنها را به فارسي يا زبان ديگر بگويد صحيح نيست.  مسأله 854ـ اذان و اقامه را قبل از داخل شدن وقت نماز نمي توان گفت و اگر بگويد باطل است.  مسأله 855ـ هرگاه پيش از گفتن اقامه شك كند كه اذان را گفته يا نه، اذان را بگويد، ولي اگر مشغول اقامه شود و شك كند، اعتنا به شك نكند، ولي اگر در جمله هاي اذان و اقامه شك كند احتياط آن است كه برگردد و به جا آورد.  مسأله 856ـ مستحبّ است در موقع اذان گفتن رو به قبله بايستد و باوضو باشد و صدا را بلند كند وبكشد و بين جمله هاي آن كمي فاصله دهد و درميان آن حرف نزند.  مسأله 857ـ شايسته است كه بدن در موقع گفتن اقامه آرام باشد و اقامه را از اذان آهسته تر بگويد و فاصله جمله ها را كمتر كند و ميان اذان و اقامه يك گام بردارد، يا كمي بنشيند، يا سجده كند، يا دعا نمايد، يا دو ركعت نماز به جا آورد.  مسأله 858ـ بهتر است كسي راكه براي اذان معيّن مي كنند، عادل و وقت شناس و صدايش مناسب و بلند باشد و اذان را در جاي بلند بگويد و در صورتي كه از بلندگوها استفاده شود مانعي ندارد گوينده اذان در محل پايين قرار گيرد.  مسأله 859ـ شنيدن اذان از راديو و مانند آن براي نماز كافي نيست، بلكه خود نمازگزاران به شرحي كه در بالا گفته شد بايد اذان بگويند.  مسأله 860ـ اذان گفتن به صورت غنا يعني آهنگي كه مناسب مجالس لهو و لعب است حرام و باطل است.  مسأله 861ـ احتياط واجب آن است كه اذان را هميشه به قصد نماز بگويند و گفتن اذان براي اعلام دخول وقت بدون قصد نماز بعد از آن مشكل است.  **واجبات نماز**  مسأله 862ـ واجبات نماز يازده چيز است: 1ـ نيّت، 2ـ تكبيرة الاحرام، يعني «اللّهُ اكبرُ» در اوّل نماز، 3ـ قيام، 4ـ قرائت، 5ـ ركوع، 6ـ سجود، 7ـ ذكر ركوع و سجود، 8ـ تشهّد، 9ـ سلام، 10ـ ترتيب، 11ـ موالات (پي در پي به جا آوردن اجزاء نماز).  مسأله 863ـ واجبات نماز بر دوگونه است: بعضي ركن است و بعضي غير ركن، ركن چيزي است كه اگر آن را به جا نياورد يا اضافه كند نماز باطل است، خواه عمداً باشد يا از روي سهو و اشتباه، ولي در واجبات غير ركني هنگامي نماز باطل مي شود كه آن را عمداً كم و زياد كند و اگر از روي سهو و اشتباه كم و زياد كند نماز صحيح است.  مسأله 864ـ اركان نماز پنج چيز است: اوّل نيّت. دوم تكبيرة الاحرام. سوم قيام در موقع گفتن تكبيرة الاحرام و قيام متّصل به ركوع، يعني ايستادن پيش از ركوع. چهارم ركوع. پنجم دو سجده (البتّه در نيّت زيادي تصوّر نمي شود و زيادي تكبيرة الاحرام نيز اگر از روي سهو باشد نماز را باطل نمي كند، هرچند احتياط مستحب آن است كه آن را اعاده كند).  1ـ نيّت  مسأله 865ـ نماز را بايد به قصد قربت يعني براي اطاعت فرمان خدا انجام داد و لازم نيست نيّت را به زبان آورد و يا در اوّل نماز از قلب بگذراند، همين اندازه كه اگر سؤال كنند چه مي كني، بتواند جواب دهد كه براي خدا نماز مي خوانم كافي است.  مسأله 866ـ در موقع نيّت بايد قصد كند كه نماز ظهر مي خواند يا عصر يا نمازهاي ديگر و اگر فقط نيّت كند چهار ركعت نماز مي خوانم كافي نيست، بلكه نمازي را كه مي خواند بايد در نيّت خود معيّن كند و احتياط واجب آن است كه قضا و ادا بودن آن را نيز معيّن نمايد.  مسأله 867ـ نيّت بايد تا آخر نماز ادامه داشته باشد و اگر طوري غافل شود كه نداند چه مي كند نمازش باطل است.  مسأله 868ـ هركس براي ريا يعني نشان دادن به مردم نماز يا عبادت ديگري را انجام دهد علاوه بر اين كه عبادتش باطل است گناه كبيره نيز انجام داده است و اگر خدا و مردم را هر دو در نظر بگيرد باز عملش باطل و گناه كبيره است.  مسأله 869ـ اگر قسمتي از نماز را به قصد ريا انجام دهد نماز باطل است، خواه قسمت واجب باشد مثل حمد و سوره، يا مستحب مانند قنوت، بنابراحتياط واجب.  مسأله 870ـ هرگاه اصل نماز را براي خدا مي خواند، ولي به قصد ريا آن را در مسجد يا در اوّل وقت يا با جماعت انجام مي دهد نمازش باطل است، ولي اگر براي ريا نيست بلكه نماز خواندن در اوّل وقت يا در مسجد براي او راحت تر است اشكالي ندارد.  2ـ تكبيرة الاحرام  مسأله 871ـ اوّلين جزء نماز «اَللّهُ اَكبَرُ» است كه آن را «تكبيرة الاحرام» مي گويند و ترك آن خواه از روي عمد باشد يا سهو نماز را باطل مي كند، امّا اضافه كردن آن (يعني به جاي يك اَللّهُ اَكبَرُ مثلاً دو مرتبه اَللّهُ اَكبَرُ بگويد) اگر عمدي باشد موجب باطل شدن نماز است.  مسأله 872ـ «اَللّهُ اَكبَرُ» مانند ساير ذكرهاي نماز و حمد و سوره بايد به عربي صحيح گفته شود و عربي غلط يا ترجمه آن كافي نيست.  مسأله 873ـ بايد موقع گفتن تكبيرة الاحرام بدن آرام باشد و اگر در حالي كه مثلاً قدم بر مي دارد اَللّهُ اَكبَرُ بگويد باطل است و چنانچه سهواً بگويد احتياط واجب آن است كاري كند كه نماز باطل شود (مثلاً صورت را به طرف پشت قبله كند) و دوباره تكبير بگويد.  مسأله 874ـ تكبير و حمد و سوره و ساير ذكرهاي نماز را بايد طوري بخواند كه اگر مانعي در كار نباشد حدّاقل خودش آن را بشنود.  مسأله 875ـ كساني كه به خاطر بيماري يا لال بودن نمي توانند تكبير را درست بگويند بايد هر طوري مي توانند بگويند و اگر هيچ نمي توانند بگويند احتياط واجب آن است كه اشاره كنند و با زباني كه در ميان افراد كر و لال متعارف است آن را ادا نمايند و در قلب خود نيز بگذرانند.  مسأله 876ـ مستحبّ است بعد از تكبيرة الاحرام به قصد رجاء اين دعا را بخوانند: «يا مُحْسِنُ قَدْ اَتاك الْمُسيءُ وَ قَدْ أَمَرْتَ الْمـُحْسِنَ اَنْ يَتَجاوَزَ عَنِ الْمُسيئِ اَنتَ الْمـُحْسِنُ وَ أَنَا الْمُسيئُ بِحَقِّ مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد صَلِّ عَلَي مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد وَ تَجاوَزْ عَنْ قَبِيحِ ما تَعْلَمُ مِنّي. يعني: «اي خداي نيكوكار! بنده گنهكارت به در خانه تو آمده است تو امر كرده اي كه نكوكار از گنهكار بگذرد،تو نيكو كاري و من گنهكارم، به حقّ محمّد و آل محمّد رحمتت را بر محمّد و آل محمّد بفرست و از كارهاي زشتي كه مي داني از من سرزده بگذر!»  مسأله 877ـ مستحبّ است در موقع گفتن تكبيرة الاحرام و ساير تكبيرهاي نماز دستها را تا مقابل گوش بالاببرد.  مسأله 878ـ هرگاه شك كند كه تكبيرة الاحرام را گفته يا نه، چنانچه مشغول خواندن حمد شده است به شك خود اعتنا نكند واگر چيزي نخوانده بايد تكبير را بگويد و هرگاه مي داند تكبيرة الاحرام را گفته امّا شك دارد كه صحيح گفته است يا نه، اگر اين شك بعد از گفتن تكبير پيدا شود اعتنا نكند.  3ـ قيام  مسأله 879ـ قيام يعني ايستادن، در دو جاي نماز، واجب و ركن است: هنگام گفتن تكبيرة الاحرام و قيام قبل از ركوع كه آن را «قيام متّصل به ركوع» گويند، ولي قيام در موقع خواندن حمد و سوره و همچنين بعد از ركوع واجب است امّا ركن نيست.  مسأله 880ـ هرگاه ركوع را فراموش كند و بعد از حمد و سوره بنشيند و يادش بيايد كه ركوع نكرده بايد بايستد و به ركوع رود و اگر به حالت خميدگي به ركوع برگردد نماز او باطل است زيرا قيام متّصل به ركوع را به جا نياورده است.  مسأله 881ـ در موقع قيام نبايد بدن و پاها را حركت دهد و به طرفي خم شود يا به جايي تكيه كند، ولي اگر از روي ناچاري باشد مانعي ندارد.  مسأله 882ـ هرگاه در حال قيام براي حمد و سوره از روي فراموشي بدن و پاها را حركت دهد يا به طرفي خم شود نماز باطل نيست، امّا اگر در موقع تكبيرة الاحرام و قيام متّصل به ركوع باشد، بنابر احتياط واجب بايد نماز را تمام كند و اعاده نمايد.  مسأله 883ـ هرگاه در موقع قيام روي يك پا بايستد نمازش اشكال دارد، ولي لازم نيست سنگيني بدن را بطور مساوي روي هر دو پا قرار دهد.  مسأله 884ـ اگر پاها را بيش از اندازه گشادبگذارد بطوري كه از شكل ايستادن بيرون رود نمازش باطل است، مگر اين كه ناچار باشد.  مسأله 885ـ هرگاه در نماز مي خواهد كمي جلو يا عقب رود يا بدن را كمي به طرف راست و چپ حركت دهد بايد چيزي نگويد ولي «بِحَوْلِ اللّهِ وَ قُوَّتِهِ اَقُومُ وَ اَقْعُدُ» را بايد در حال برخاستن بگويد.  مسأله 886ـ در موقع ذكرهاي واجب نماز نيز بايد بدن آرام باشد، بلكه احتياط واجب آن است كه در ذكرهاي مستحب نيز اين معني رعايت شود.  مسأله 887ـ هرگاه در حال حركت بدن ذكر بگويد مثلاً موقع رفتن ركوع يا در حال رفتن به سجده تكبير آن را بگويد، احتياط آن است كه نماز را دوباره بخواند، مگر آن كه قصدش مطلق ذكر باشد، يعني نه آن تكبير مخصوصي كه مثلاً قبل از سجده در حال ايستادن گفته مي شود، بلكه از آنجا كه ذكر خدا در هر جاي نماز خوب است تكبير مي گويد.  مسأله 888ـ هرگاه در موقع قرائت حمد و سوره يا تسبيحات بي اختيار بقدري حركت كند كه از حال آرام بودن بدن خارج شود و يا مثلاً در ميان جمعيّت باشد و به او تنه بزنند و او را حركت دهند احتياط واجب آن است كه بعد از آرام گرفتن بدن آنچه را در حال حركت خوانده دوباره بخواند.  مسأله 889ـ هرگاه در بين نماز از ايستادن عاجز شود بايد بنشيند و اگر از نشستن هم عاجز شود بايد بخوابد، ولي تا بدنش آرام نگرفته بايد چيزي نخواند.  مسأله 890ـ كسي كه نمي تواند ايستاده نماز بخواند بايد بنشيند، ولي اگر بتواند بايستد و به عصا يا ديوار و مانند آن تكيه كند، يا پاهايش را از هم دور بگذارد بايد ايستاده نماز بخواند، مگر اين كه فوق العاده براي او زحمت داشته باشد، همچنين مادام كه مي تواند نشسته نماز بخواند هرچند به چيزي تكيه كند بايد خوابيده نماز نخواند و هرگاه نتواند بايد به پهلوي راست بخوابد، بطوري كه جلو بدن او رو به قبله باشد و اگر نتواند به پهلوي چپ و اگر آن هم ممكن نيست به پشت بخوابد بطوري كه كف پاهاي او رو به قبله باشد.  مسأله 891ـ كسي كه مي تواند قسمتي از نماز را ايستاده بخواند واجب است آن مقدار را بايستد و بقيّه را بنشيند و اگر نتوانست بخوابد.  مسأله 892ـ هرگاه كسي بر اثر ناتواني نماز را خوابيده بخواند، اگر در بين نماز بتواند بنشيند بايد آن مقدار را كه مي تواند، بنشيند و يا اگر مي تواند برخيزد و همچنين كساني كه نشسته نماز مي خوانند و در اثناء نماز توانايي ايستادن پيدا مي كنند بايد بايستند، ولي تا بدن آرام نگرفته است چيزي نخوانند.  مسأله 893ـ كسي كه احتمال مي دهد تا آخر وقت بتواند ايستاده نماز بخواند بنابر احتياط واجب در اوّل وقت نماز نخواند.  مسأله 894ـ هرگاه توانايي بر ايستادن دارد امّا مي داند يا احتمال عقلائي مي دهد كه براي او ضرر داشته باشد، يا بيماري اش طولاني مي شود، يا مثلاً زخم يا شكستگي استخوان او دير التيام پيدا مي كند، بايد نشسته نماز بخواند و اگر آن هم ضرر دارد خوابيده نماز بخواند.  مسأله 895ـ شايسته است در حال ايستادن بدن را راست نگه دارد، شانه ها را پايين بيندازد، دستها را روي رانها بگذارد، انگشتها را به هم بچسباند، سنگيني بدن را بطور مساوي روي دو پا بيندازد و به محل سجده نگاه كند و با خضوع و خشوع باشد، مردان كمي پاها را باز بگذارند و زنان به هم بچسبانند.  4ـ قرائت  مسأله 896ـ در ركعت اوّل و دوم نمازهاي واجب روزانه بايد بعد از تكبيرة الاحرام سوره حمد را قرائت كند و بعد از آن بنابر احتياط واجب يك سوره تمام از قرآن مجيد را و خواندن يك يا چند آيه كافي نيست. و بايد توجّه داشت كه سوره «فيل» و «ايلاف» يك سوره حساب مي شود و همچنين سوره «والضّحي» و «الم نشرح».  مسأله 897ـ در تنگي وقت يا در جايي كه ترس از دزد يا درنده اي باشد مي توان سوره را ترك كرد و همچنين در جايي كه عجله براي كار مهمّي داشته باشد.  مسأله 898ـ واجب است قرائت حمد قبل از سوره باشد و اگر عمداً برخلاف اين انجام دهد نمازش باطل است اگر از روي اشتباه باشد چنانچه قبل از ركوع يادش بيايد بايد برگردد و درست بخواند، امّا اگر بعد از رسيدن به حدّ ركوع يادش بيايد نمازش صحيح است، همچنين اگر حمد يا سوره يا هر دو را فراموش كند.  مسأله 899ـ هرگاه در نماز واجب يكي از چهار سوره اي را كه آيه سجده دارد (1) عمداً بخواند بنابراحتياط واجب بايد سجده را به جا آورد سپس برخيزد و حمد و سوره ديگري بخواند و نماز را تمام كند و بعد اعاده نمايد و چنانچه سهواً مشغول خواندن سوره سجده شود اگر قبل از رسيدن به آيه سجده متوجّه گردد بايد آن سوره را رها كرده و سوره ديگري بخواند و اگر از نصف گذشته باشد احتياطاً نماز را  سوره الم سجده ـ سوره حم سجده (فصّلت) ـ سوره والنّجم و سوره اقرأ (علق).اعاده كند اگر بعد از خواندن آيه سجده بفهمد بايد به ترتيب بالا عمل كند.  مسأله 900ـ خواندن سوره هاي سجده در نمازهاي مستحب مانعي ندارد و بايد به دنبال آيه سجده، سجده كند، سپس برخيزد و نماز را ادامه دهد.  مسأله 901ـ در نمازهاي مستحبّي مي توان سوره را ترك كرد حتّي آن نماز مستحبّي كه بهواسطه نذر كردن واجب شده باشد، ولي نمازهاي مستحبّي مخصوصي كه سوره هاي خاصّي دارد بايد به دستور آن عمل كرد.  مسأله 902ـ مستحبّ است در ركعت اوّل نماز ظهر روز جمعه بعد ازحمد، سوره جمعه بخواند در ركعت دوم، سوره منافقين را و هرگاه مشغول يكي از اينها شود احتياط واجب آن است كه به سوره ديگري عدول نكند.  مسأله 903ـ عدول كردن از سوره «قُلْ هُوَ اللّهُ»، يا سوره «قُلْ يا اَيُّهَا الْكافِرُونَ» به سوره ديگري در هر نماز باشد جايز نيست، جز در نماز جمعه كه اگر به جاي سوره جمعه و منافقين يكي از اين دو سوره را بخواند پيش از آن كه به نصف برسد مي تواند آن را رها كرده، سوره جمعه و منافقين را بخواند.  مسأله 904ـ هرگاه غير سوره «قُلْ هُوَ اللّهُ» و «قُلْ يا اَيُّهَا الْكافِرُونَ» را در نماز بخواند مي تواند آن را رها كرده و سوره ديگري را بخواند، به شرط اين كه به نصف نرسيده باشد.  مسأله 905ـ هرگاه مقداري از سوره را فراموش كند، يا از جهت تنگي وقت نتواند به آن ادامه دهد، مي تواند آن را رها كرده و سوره ديگري را بخواند، خواه از نصف گذشته باشد و خواه سوره «قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ» و يا «قُلْ يا اَيُّهَا الْكافِرُونَ» باشد يا نه.  مسأله 906ـ واجب است مردان حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند و حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند و زنان نيز بايد حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند، امّا حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را مي توانند بلند يا آهسته بخوانند، ولي اگر نامحرم صداي آنها را بشنود احتياط مستحب آن است كه آهسته بخوانند.  مسأله 907ـ در جايي كه بايد حمد و سوره را بلند بخواند اگر عمداً يك كلمه را آهسته بخواند نماز باطل است، همچنين در جايي كه بايد آهسته بخواند اگر يك كلمه را بلند بخواند نماز باطل مي شود.  مسأله 908ـ هرگاه در جايي كه بايد قرائت را بلند بخواند عمداً آهسته بخواند يا در جايي كه بايد آهسته بخواند عمداً بلند بخواند نمازش باطل است، ولي اگر از روي فراموشي، يا ندانستن مسأله باشد، صحيح است، مگر اين كه در ياد گرفتن مسأله كوتاهي كرده باشد كه بنابر احتياط واجب اعاده مي كند.  مسأله 909ـ هرگاه در اثناء حمد و سوره متوجّه شود مقداري را بر خلاف دستور بالا سهواً بلند يا آهسته خوانده لازم نيست برگردد، هرچند بهتر است كه برگردد و صحيح بخواند.  مسأله 910ـ هرگاه كسي در قرائت و ذكر نماز صداي خود را بيش از حدّ معمول بلند كند و با فرياد بخواند نمازش باطل است.  مسأله 911ـ بايد قرائت و ذكر نماز را صحيح بخواند و اگر نمي داند ياد بگيرد، امّا كساني كه نمي توانند تلفّظ صحيح را ياد بگيرند بايد همانطور كه مي توانند بخوانند و براي چنين اشخاصي بهتر است كه تا مي توانند نماز خود را با جماعت به جا آورند.  مسأله 912ـ كسي كه درياد گرفتن قرائت و ذكر نماز كوتاهي كرده نمازش باطل است و اگر وقت تنگ شده احتياط واجب آن است كه با جماعت نماز بخواند و اگر دسترسي به جماعت ندارد نمازش در تنگي وقت صحيح است.  مسأله 913ـ كسي نمي تواند براي ياد دادن واجبات نماز، مزد بگيرد (بنابراحتياط واجب) امّا براي مستحبّات مانعي ندارد، مگر اين كه از شعائر دين باشد يا حفظ احكام الهي منوط به تعليم آن گردد.  مسأله 914ـ هرگاه يكي از كلمات حمد و سوره يا ذكرهاي ديگر نماز را نداند، يا زير و زبر آن را غلط بخواند، يا حرفي را به حرف ديگري تبديل كند، مثلاً به جاي (ض) (ز) بگويد بطوري كه از نظر لغت عرب غلط باشد، نماز او باطل است.  مسأله 915ـ هرگاه كلمه يا تلفّظ آيه يا ذكري را صحيح مي دانسته و مدّتي در نمازها خوانده وبعد مي فهمد غلط بوده، نمازش اعاده ندارد، هرچند احتياط مستحب اعاده يا قضاي آن است.  مسأله 916ـ لازم نيست آنچه را علماي تجويد براي بهتر خواني قرآن ذكر كرده اند رعايت كند، بلكه لازم است طوري بخواند كه بگويند عربي صحيح است هرچند رعايت دستورات تجويد بهتر است.  مسأله 917ـ احتياط واجب آن است كه در نماز، وقف به حركت ننمايد و معني وقف به حركت آن است كه زير و زبر آخر كلمه را بگويد امّا بين آن كلمه و كلمه بعد فاصله دهد، مثل اين كه بگويد: اَللّهُ اَكبَرُ (و آخر آن راپيش دهد) امّا مدّتي سكوت كند بعد بِسْمِ اللّه را شروع نمايد، ولي وصل به سكون مانعي ندارد، هرچند ترك آن بهتر است، معني وصل به سكون اين است كه آخر جمله را بدون زير و زبر بخواند و بلافاصله آيه يا كلمه بعد را بگويد.  مسأله 918ـ در ركعت سوم و چهارم نمازهاي سه ركعتي و چهار ركعتي مخير است كه حمد بخواند (بدون سوره) يا سه مرتبه تسبيحات اربعه يعني «سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ إِلاَّ اللّهُ وَ اللّهُ اَكبَرُ» بگويد، بلكه يك مرتبه نيز كافي است و مانعي ندارد در يك ركعت حمد و در ركعت ديگر تسبيحات بگويد.  مسأله 919ـ واجب است در ركعت سوم و چهارم نماز، حمد يا تسبيحات اربعه را آهسته بخوانند، حتّي بِسْم اللّه را ( بنابر احتياط واجب).  مسأله 920ـ اگر در ركعت اوّل و دوم نماز به گمان اين كه ركعت سوم و چهارم است تسبيحات بگويد، چنانچه پيش از ركوع متوجّه شود بايد برگردد و حمد و سوره بخواند و اگر در ركوع يا بعد از آن بفهمد نمازش صحيح است و احتياط مستحب آن است كه دو سجده سهو به جا آورد.  مسأله 921ـ اگر در ركعت سوم يا چهارم مي خواست حمد بخواند تسبيحات به زبانش آمد، يا بعكس مي خواست تسبيحات بخواند حمد به زبانش آمد، كافي نيست،بايد برگردد و دوباره حمد يا تسبيحات را بخواند، ولي اگر هر دو در نيّت او بوده است هر كدام به زبانش آيد كافي است.  مسأله 922ـ مستحبّ است بعد از تسبيحات استغفار كند مثلاً بگويد: «اَسْتَغْفِرُ اللّهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» يا بگويد: «اَللّهُمَّ اغْفِرْ لي».  مسأله 923ـ اگر در ركوع يا بعد از آن شك كند كه تسبيحات را خوانده يا نه، اعتنا به شك نكند، امّا اگر هنوز به اندازه ركوع خم نشده احتياط واجب آن است كه برگردد و بخواند.  مسأله 924ـ هرگاه در آيه و يا ذكري از نماز شك كند بايد آن را تكرار كند تا صحيح بگويد، امّا اگر به حدّ وسواس برسد بايد اعتنا نكند و اگر اعتنا كند نمازش اشكال دارد و بنابر احتياط واجب بايد دوباره بخواند.  مسأله 925ـ مستحبّ است در ركعت اوّل نماز پيش از خواندن حمد بگويد:«اَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ» و نيز مستحبّ است امام جماعت «بِسْمِ اللّه»  را در ركعت اوّل و دوم نماز ظهر و عصر در جماعت بلند بگويد، همچنين مستحبّ است حمد و سوره و اذكار نماز را شمرده بخواند و آيات را به هم نچسباند و مخصوصاً به معني آنها توجّه داشته باشد و اگر نماز را با جماعت مي خواند بعد از تمام شدن حمد امام، به اميد ثواب پروردگار بگويد: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ رِبِّ الْعالَمينَ» و بعد از خواندن سوره «قُلْ هُوَ اللّه اَحَدٌ» يك يا دو يا سه مرتبه بگويد: «كذلِك اللّهُ رَبِّي» يا «كذلِك اللّهُ رَبُّنَا».  مسأله 926ـ شايسته است در نمازها در ركعت اوّل سوره «اِنّا اَنْزَلْناهُ» و درركعت دوم سوره «قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ» را بخواند و هيچ سوره اي را در هر دوركعت تكرار نكند، مگر سوره «قُلْ هُوَ اللّهُ» و سزاوار نيست در تمام نمازهايشبانه روز سوره «قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ» را ترك كند و بهتر است سوره هاييبراي نماز انتخاب شود كه مردم را متوجّه اموري كه به آن نياز دارند و ترك گناهاني كه به آن آلوده اند كند.  5ـ ركوع  مسأله 927ـ در هر ركعت بعد از قرائت، يك ركوع واجب است، يعني به اندازه اي خم شود كه اگر بخواهد كف دستها را به زانو بگذارد بتواند، بلكه احتياط واجب آن است كه كف دستها را بر زانو بگذارد.  مسأله 928ـ كسي كه دست يا زانوي او با ديگران تفاوت دارد، مثلاً دستش خيلي بلند است كه اگر كمي خم شود به زانو مي رسد، يا زانويش خيلي پايين است چنين كسي بايد به اندازه معمول خم شود.  مسأله 929ـ كسي كه نماز نشسته مي خواند براي ركوع بايد بقدري خم شود كه بگويند ركوع كرده است.  مسأله 930ـ خم شدن بايد به قصد ركوع باشد، بنابراين اگر بدون اين قصد خم شود نمي تواند آن را ركوع حساب كند، بلكه بايد بايستد و به قصد ركوع خم شود.  مسأله 931ـ در ركوع واجب است ذكر بگويد، ذكر ركوع بنابر احتياط واجب سه مرتبه «سُبْحانَ اللّهِ» يا يك مرتبه «سُبْحانَ رِبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» است كه بايد به عربي صحيح گفته شود و مستحبّ است آن را سه يا پنج يا هفت مرتبه تكرار كند.  مسأله 932ـ در موقع ذكر واجب بايد بدن آرام باشد و براي ذكر مستحب نيز اگر آن را به قصد ذكر ركوع مي گويد آرام بودن بدن لازم است.  مسأله 933ـ هرگاه در موقعي كه مشغول ذكر واجب است كسي به او تنه بزند، يا به علّت ديگري بدن از آرامش بيرون رود، بايد بعد از آرام گرفتن دوباره ذكر را بگويد، ولي حركات مختصر اشكال ندارد.  مسأله 934ـ هرگاه ذكر را قبل از رسيدن به حدّ ركوع و آرام گرفتن بدن بگويد بايد آن را بعد از آرام گرفتن اعاده كند، حتّي اگر عمداً اين كار را كند احتياط اين است كه نماز را نيز بعداً اعاده نمايد.  مسأله 935ـ هرگاه پيش از تمام شدن ذكر واجب عمداً سر از ركوع بردارد نمازش باطل است و اگر سهواً باشد چنانچه پيش از خارج شدن از حال ركوع متوجّه شود بايد در حال آرامي بدن دوباره ذكر را بگويد و اگر بعد از آن كه از حال ركوع خارج شد متوجّه گردد، نمازش صحيح است.  مسأله 936ـ كسي كه نمي تواند به اندازه ركوع خم شود اگر بتواند بايد به چيزي تكيه كند و ركوع نمايد و اگر آن هم ممكن نشود بايد به هر اندازه كه ممكن است خم شود و اگر هيچ نتواند خم شود بايد ركوع را به صورت نشسته انجام دهد، و اگر آن هم ممكن نشود در حال ايستاده با سر اشاره مي كند و اگر اين را هم نتواند به نيّت ركوع چشمها را بر هم مي گذارد و ذكر را مي گويد و به نيّت برخاستن از ركوع چشمها را بازمي كند.  مسأله 937ـ هرگاه كسي مي تواند ركوع كند امّا به خاطر بيماري يا علّت ديگري نمي تواند به اندازه ذكر واجب توقّف كند بايد پيش از آن كه از حال ركوع خارج شود ذكر واجب را بگويد هرچند بدن آرام نباشد و اگر نتواند، در حال برخاستن ذكر را تمام كند.  مسأله 938ـ هرگاه كسي بر اثر پيري خميده شده، يا به خاطر بيماري يا به علّت ديگر به حالتي شبيه ركوع درآمده، بايد در موقع نماز آن قدر كه مي تواند كمر را براي قرائت راست كند و اگر نمي تواند قدري كمر را قبل از ركوع راست كند سپس به حال ركوع در آيد و اگر آن هم ممكن نشود براي انجام ركوع كمي بيشتر خم شود، به شرط اين كه از حالت ركوع خارج نگردد و اگر آن هم ممكن نشود احتياط اين است كه هم با سر اشاره كند و هم قصد كند كه آن حالتش جزء ركوع باشد.  مسأله 939ـ ركوع از واجبات ركني است كه اگر ترك شود يا در يك ركعت دو ركوع يا بيشتر به جا آورد نماز باطل است خواه عمداً باشد يا از روي سهو و فراموشي.  مسأله 940ـ بعد از تمام شدن ركوع، واجب است راست بايستد و بعد از آرام گرفتن بدن به سجده رود و اگر عمداً اين كار را ترك كند نمازش باطل است، امّا اگر از روي سهو باشد اشكالي ندارد.  مسأله 941ـ هرگاه ركوع را فراموش كند و پيش از سجده اوّل يا ميان دو سجده، يا قبل از آن كه پيشاني براي سجده دوم به زمين رسد متوجّه شود، بايد برگردد و بايستد و بعد به ركوع رود.  مسأله 942ـ مستحبّ است پيش از رفتن به ركوع در حالي كه راست ايستاده «اللّهُ اَكبَرُ» بگويد و در حال ركوع زانوها را عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد، گردن را بكشد و مساوي پشت نگه دارد و ميان دو قدم نگاه كند و بعد از آن كه از ركوع برخاست و راست ايستاددرحالي كه بدن آرام است بگويد: «سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».  مسأله 943ـ در احكام ركوع فرقي بين نماز واجب و مستحب نيست، حتّي زيادي ركوع بنابر احتياط واجب.  6ـ سجود  مسأله 944ـ در هر ركعت از نمازهاي واجب و مستحب دو سجده واجب است و محلّ آن بعد از ركوع است و هرگاه هر دو را عمداً يا از روي فراموشي ترك كند يا به جاي دو سجده چهار سجده به جا آورد نماز باطل است، امّا زيادي يا كمي يك سجده به شرط اين كه از روي سهو باشد نماز را باطل نمي كند.  مسأله 945ـ در سجده بايد هفت موضع بر زمين قرار گيرد: پيشاني، كف دستها، سر دو زانو، سردوانگشت بزرگ پا و هرگاه يكي از اين اعضا را عمداً بر زمين نگذارد سجده اش باطل است و اگر سهواً پيشاني را به زمين نگذارد باز سجده باطل است، امّا اگر پيشاني به زمين باشد و بعضي ديگر از اعضا را سهواً به زمين نگذارد سجده صحيح است.  7ـ ذ كر ركوع و سجود  مسأله 946ـ در ركوع واجب است ذكر بگويد، ذكر ركوع بنابر احتياط واجب سه مرتبه «سُبْحَانَ اللّهِ» يا يك مرتبه «سُبْحانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» است. ذكر سجده نيز واجب است و احتياط آن است كه حدّاقل سه مرتبه «سُبْحانَ اللّهِ» يا يك مرتبه «سُبْحانَ رِبِّي الاَْعْلي وَ بِحَمْدِهِ» بگويد و هرچه بيشتر بگويد بهتر است.  **احكام سجود**  مسأله 947ـ در سجده بايد بدن به مقدار گفتن ذكر واجب آرام باشد، در موقع ذكر مستحب نيز اگر آن را به قصد ذكري كه براي سجده دستور داده شده بگويد آرام بودن بدن لازم است و امّا اگر به قصد ذكر مطلق باشدكه در هر جاي نماز جايز است حركت مانعي ندارد.  مسأله 948ـ هرگاه پيش از آن كه بدن آرام گيرد ذكر سجده را شروع كند، نماز باطل است، همچنين اگر قسمتي از آن را هنگام بلند شدن از سجده بگويد، امّا اگر سهواً باشد مانعي ندارد و اگر قبل از برداشتن سر از سجده متوجّه شود بايد ذكر را اعاده كند.  مسأله 949ـ هنگامي كه مشغول ذكر نيست مي تواند بعضي از اعضاي هفتگانه را جز پيشاني از زمين بردارد، يا جا به جا كند، ولي در موقع ذكر جايز نيست.  مسأله 950ـ بعد از سجده اوّل بايد بنشيند تا بدن آرام گيرد، سپس به سجده رود.  مسأله 951ـ بنابر احتياط واجب جاي پيشاني نمازگزار بايد از جاي زانوهايش بيش از چهار انگشت بسته، بالاتر و پايين تر نباشد، همچنين جاي پيشاني نسبت به جاي انگشتان پاي او، خواه زمين سراشيبي باشد يا نباشد.  مسأله 952ـ هرگاه پيشاني را سهواً بر جايي بگذارد كه از محلّ زانوها يا انگشتان پا بيش از چهار انگشت بسته، پست تر و بلند تر باشد، اگر بلندي به حدّي است كه به آن سجده نمي گويند بايد سر را بردارد و روي چيزي بگذارد كه بلندي آن از چهار انگشت بسته كمتر است، امّا اگر بقدري است كه سجده به آن مي گويند واجب است پيشاني را از روي آن به روي چيزي بكشد كه به اندازه چهار انگشت بسته يا كمتر است و اگر كشيدن پيشاني ممكن نيست، احتياط آن است كه نماز را تمام كند و دوباره بخواند.  مسأله 953ـ پيشاني بايد روي چيزي قرار گيرد كه سجده بر آن صحيح است و شرح آن به خواست خدا در مسائل آينده ذكر مي شود و اگر حايلي در اين وسط باشد مانند موي سر يا چرك بودن مهر به حدّي كه پيشاني به خود مهر نرسد سجده باطل است، ولي تغيير رنگ مهر اشكالي ندارد.  مسأله 954ـ هرگاه نتواند كف دستها را بر زمين بگذارد بايد پشت دستها را به زمين بگذارد و اگر آن هم ممكن نيست مچ دستها را بر زمين بگذارد و چنانچه آن هم ممكن نباشد بنابر احتياط واجب هر جاي دست تا آرنج ممكن شود روي زمين مي گذارد و در صورتي كه نتواند، بازو را بگذارد.  مسأله 955ـ بنابر احتياط واجب بايد هنگام سجده سر دو انگشت پاها بر زمين باشد و انگشتهاي ديگر كافي نيست، حتّي اگر ناخن انگشت بزرگ پا طوري بلند باشد كه سر انگشت به زمين نرسد اشكال دارد.  مسأله 956ـ كسي كه مقداري از شست پايش بريده شده بايد بقيّه را بر زمين بگذارد و اگر چيزي نمانده بقيّه انگشتان را بگذارد و اگر انگشت ندارد ، مقداري از پا كه باقيمانده بر زمين مي گذارد.  مسأله 957ـ هرگاه بطور غير معمول سجده كند مثلاً بخوابد و هفت عضو بدن را بر زمين بچسباند سجده اش باطل است.  مسأله 958ـ هرگاه در پيشاني دمل و مانند آن باشد و نتواند آن را بر مهر و مانند آن بگذارد مي تواند مهر را دركنار پيشاني يا در هر دو طرف قرار دهد و مهر را در هر دو طرف آن قدر از زمين بلند كند كه دمل در وسط آن قرار گيرد به شرط اين كه از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد و هرگاه دمل يا زخم تمام پيشاني را گرفته باشد بايد به يكي از دو طرف بيرون پيشاني سجده كند و اگر ممكن نيست چانه را بر مهر مي گذارد و اگر آن هم ممكن نيست هر جاي از صورت كه ممكن شود بر مهر بگذارد و اگر به هيچ جاي از صورت ممكن نشود بايد به اندازه اي كه مي تواند خم شود.  مسأله 959ـ كسي كه نمي تواند پيشاني را بر زمين بگذارد بايد به اندازه اي كه مي تواند خم شود و مهر ياچيزديگري كه سجده بر آن صحيح است بر محلّ بلندتري قرار دهد كه پيشاني به آن برسد و كف دستها و زانوها و انگشتان را بطور معمول بر زمين بگذارد هرگاه نتواند خم شود بايد با سر اشاره كند و الاّ با چشمها اشاره مي نمايد، يعني آن را به قصد سجده مي بندد و به نيّت سر برداشتن باز مي كند و در هر صورت احتياط واجب آن است كه مهر را بلند كند و بر پيشاني بگذارد، اگر هيچ يك از اينها را نتواند احتياط اين است كه در قلبش نيّت سجده كند.  مسأله 960ـ هرگاه پيشاني بي اختيار از جاي سجده بلند شود و برگردد، يك سجده حساب مي شود، چه ذكر سجده را گفته باشد يا نه، ولي اگر اختياراً آن را بردارد اگر قبل از ذكر و از روي عمد باشد نمازش باطل است و الاّ اشكال ندارد.  مسأله 961ـ در مورد تقيّه مي تواند بر فرش و مانند آن سجده نمايد و لازم نيست براي نماز به جاي ديگري رود تا روي مهر سجده كند، ولي اگر در همان جا بتواند روي سنگ يا بوريا و مانند آن سجده كند واجب است.  مسأله 962ـ سجده كردن روي چيزي كه بدن روي آن آرام نمي گيرد اشكال دارد، ولي چنان كه قبلاً نيز گفتيم اگر در كشتي و قطار و مانند آن بتواند واجبات نماز را در حال حركت رعايت كند نمازش صحيح است، اگر انسان روي تشك يا چيز ديگري سجده كند كه بدن در اوّل آرام نيست و بعد آرام مي گيرد مانعي ندارد.  مسأله 963ـ هرگاه زمين گِل باشد كه اگر بخواهد سجده كند بدن و لباس او آلوده مي شود مي تواند ايستاده نماز بخواند و براي سجده با سر اشاره كند.  مسأله 964ـ بعد از سجده دوم در جايي كه تشهّد واجب نيست بهتر است لحظه اي بنشيند سپس براي ركعت بعد برخيزد.  **پوشانيدن بدن در نماز**  مسأله 726ـ مرد بايد در حال نماز عورتين خود را بپوشاند، هرچند كسي اورا نمي بيند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند و از آن بهتر اين كه لباس كامل كه در برابر افراد محترم در تن مي كند به تن داشته باشد.  مسأله 727ـ زن بايد در موقع نماز تمام بدن حتّي سر و موي خود را بپوشاند، ولي پوشاندن گردي صورت و دستها تا مچ و پاها تا مچ لازم نيست، امّا براي اين كه يقين كند كه مقدار واجب را پوشانده است احتياط اين است كه مقداري از اطراف صورت و قدري پايين تر از مچ را هم بپوشاند.  مسأله 728ـ در نماز احتياط و قضاي سجده يا تشهّد فراموش شده، بلكه بنابراحتياط واجب در موقع سجده سهو و سجده هاي واجب قرآن نيز خود را مانند موقع نماز بپوشاند.  مسأله 729ـ براي زنان پوشانيدن موهاي مصنوعي و زينتهاي پنهاني (مانند دستبند و گردن بند) نيز لازم است.  مسأله 730ـ هرگاه در بين نماز بفهمد كه قسمتي را كه بايد بپوشاند پيداست بايد فورا آن را بپوشاند، به شرط اين كه كاري كه صورت نماز را بر هم مي زند به جا نياورد و چنانچه پوشاندن آن زياد طول بكشد احتياط واجب آن است خود را بپوشاند و نماز را تمام كند و دوباره بخواند.  مسأله 731ـ هرگاه بعد از نماز بفهمد كه مقدار واجب را در حال نماز نپوشانده، نمازش صحيح است.  مسأله 732ـ انسان مي تواند خود را در نماز با برگ درختان يا علف بپوشاند، ولي احتياط مستحب آن است هنگامي از اينها استفاده كند كه چيز ديگري نباشد.  مسأله 733ـ اگر چيزي غير از گِل در اختيار ندارد بايد بدن خود را با آن بپوشاند و نماز بخواند.  مسأله 734ـ هرگاه برهنه است و چيزي براي پوشانيدن بدن در نماز ندارد، چنانچه احتمال مي دهد تا آخر وقت پيدا كند، احتياط آن است كه نماز را به تأخير اندازد و اگر پيدا نكرد چنانچه كسي او را مي بيند بايد نشسته نماز بخواند و عورت خود را به اين وسيله بپوشاند و اگر كسي او را نمي بيند ايستاده نماز بخواند و بنابر احتياط واجب عورت را با دست بپوشاند و ركوع و سجود را با اشاره انجام دهد و براي سجود سر را قدري پايين تر بياورد.  **شرايط لباس نمازگزار**  مسأله 735ـ لباس نمازگزار شش شرط دارد: 1ـ پاك بودن. 2ـ غصبي نبودن، بنابراحتياط واجب. 3ـ ازاجزاء مردار نباشد. 4ـ از حيوان حرام گوشت نباشد. 5 و 6ـ اگر نمازگزار مرد است لباس او از ابريشم خالص يا طلا بافت نباشد و شرح اينها در مسائل آينده خواهد آمد.  **شرط اوّل ـ پاك بودن**  مسأله 736ـ اگر كسي عمداً با لباس يا بدن نجس نماز بخواند نمازش باطل است، حتّي اگر به خاطر ياد نگرفتن مسأله باشد.  مسأله 737ـ اگر خبر ندارد كه بدن يا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحيح است، امّا اگر قبلاً باخبر بوده و فراموش كرده و با آن نماز خوانده بايد نماز را اعاده كند، خواه در وسط نماز يادش بيايد، يا بعد از نماز و اگر وقت نماز گذشته بايد قضا كند.  مسأله 738ـ هرگاه كسي مشغول نماز است و در وسط نماز لباس يا بدن او نجس شود، يا بفهمد لباس يا بدن او نجس شده است امّا نداند همان موقع نجس شده يا از قبل نجس بوده، چنانچه آب در دسترس اوست و آب كشيدن بدن يا لباس يا عوض كردن آن نماز را به هم نمي زند بايد همان موقع آن را آب بكشد، يا عوض كند، سپس نماز را ادامه دهد و اگر ممكن نيست بايد نماز را بشكند و با بدن و لباس پاك نماز بخواند و اين در صورتي است كه وقت تنگ نباشد و الاّ با همان حال نماز مي خواند و صحيح است.  مسأله 739ـ كسي كه بعد از نماز بفهمد بدن يا لباسش نجس بوده نمازش صحيح است، خواه در وقت باشد يا بعد از وقت.  مسأله 740ـ هرگاه لباس يا بدن نجس بوده و آن را آب بكشد و يقين به پاكي آن پيدا كند و نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد هنوز پاك نشده است، نماز او صحيح است و براي نمازهاي بعد بايد آن را پاك كند.  مسأله 741ـ هرگاه در لباس خود خوني ببيند و يقين كند كه به مقدار كمتر ازدرهم است و يا خون زخم و دمل است كه براي نماز اشكال ندارد و با آن نماز بخواند، بعد بفهمد خون بيش از مقدار درهم بوده، يا خون از غير زخم و دمل است نمازش صحيح است.  مسأله 742ـ هرگاه نجس بودن چيزي را فراموش كند و بدن يا لباسش با رطوبت به آن ملاقات كند و نماز بخواند بعد يادش بيايد نماز او صحيح است، ولي اگر بدنش با رطوبت به چيزي كه نجس بودن آن را فراموش كرده ملاقات كند و بدون آن كه خود را آب بكشد، غسل كند، غسل و نمازش باطل است.  مسأله 743ـ كسي كه يك لباس بيشتر ندارد هرگاه بدن و لباس او هر دو نجس شود و به اندازه آب كشيدن يكي از آن دو بيشتر آب ندارد احتياط واجب آن است كه بدن را آب بكشد و نماز را با همان لباس نجس بخواند، ولي اگر نجاست لباس شديد تر باشد (مثلاً نجاستش از بول باشد كه بايد آن را با آب قليل دو مرتبه شست و نجاست بدن مثلاً از خون باشد كه يك مرتبه شستن كافي است) احتياط واجب آن است كه لباس را بشويد و با نجاست بدن نماز را بخواند.  مسأله 744ـ هرگاه كسي غير از لباس نجس لباس ديگري در اختيار ندارد واحتمال نمي دهد تا آخر وقت لباس پاك پيدا كند بايد با همان لباس نماز بخواند.  مسأله 745ـ كسي كه دو لباس دارد و مي داند يكي از آن دو نجس است امّا نمي داندكداميك از آنهاست با هيچ كدام نمي تواند نماز بخواند و بايد هر دو را آب بكشد و اگر توانايي بر اين كار نداشته باشد بايددو نماز جداگانه با آن دو لباس بخواند.  **شرط دوّم - غصبي نبودن**  مسأله 746ـ لباس نمازگزار بنابر احتياط واجب بايد مباح باشد و اگر عمداً در لباس غصبي نماز بخواند حتّي اگر نخ يا دكمه آن غصبي باشد نماز را اعاده كند، ولي اگر نمي دانست غصبي است و با آن نماز خواند نمازش صحيح است، همچنين اگر قبلاً مي دانسته غصبي است و بعد فراموش كرده، مگر اين كه غاصب خود نمازگزار باشد، به اين معني كه چيزي را غصب كرده و بعد فراموش نموده و با آن نماز خوانده است در اينجا احتياط واجب آن است كه اعاده نمايد.  مسأله 747ـ چنانچه در اثناء نماز متوجّه شود كه لباس او غصبي است اگر چيز ديگري كه عورت او را بپوشاند در تن دارد بايد لباس غصبي را بيرون آورد و نماز را ادامه دهد و اگر چيز ديگري در تن ندارد نماز را بشكند و با لباس غير غصبي نماز بخواند.  مسأله 748ـ اگر كسي براي حفظ جان خود با لباس غصبي نماز بخواند نمازش صحيح است، همچنين اگر براي حفظ آن لباس از دستبرد دزد و مانند آن، آن را بپوشد، نمازش درست است.  مسأله 749ـ اگر با پولي كه خمس يا زكات آن را نداده لباس بخرد، نماز در آن لباس اشكال دارد، همچنين اگر لباسي را نسيه بخرد امّا در موقع معامله قصدش اين باشد كه از پولي كه خمس يا زكات آن را نداده بدهي خود را بدهد يا اصلاً بدهي خود را ندهد نمازش اشكال دارد.  **شرط سوم ـ از اجزاء مردار نباشد**  مسأله 750ـ لباس نمازگزار بايد از اجزاء حيوان مرده اي كه خون جهنده دارد نباشد، بلكه احتياط واجب آن است كه از اجزاي حيوانهاي مرده ديگر كه خون جهنده ندارند (مانند ماهي و مار) نيز اجتناب كند.  مسأله 751ـ نمازگزار بايد از اجزاي مردار چيزي همراه نداشته باشد هرچندبه صورت لباس هم نباشد امّا اجزايي كه مانند مو و پشم بي روح است مانعي ندارد، مثلاً مي توان از مو و پشم مردار حلال گوشت لباس تهيّه كرد و با آننماز خواند.  مسأله 752ـ با لباسهاي چرمي كه از بازار مسلمانان تهيّه مي شود مي توان نمازخواند هرچند شك داشته باشد كه از حيواني است كه ذبح شرعي شده يا نه، امّا اگر يقين داشته باشد كه چرم را از ممالك غير اسلامي آورده اند و فروشنده يك انسان لاابالي است كه درباره آن تحقيق نكرده نماز با آن جايز نيست و اگر نداند چرم از بلاد اسلامي است يا غير بلاد اسلامي اشكالي ندارد.  **شرط چهارم ـ از حيوان حرام گوشت نباشد**  مسأله 753ـ لباس نمازگزار بايد ازحيوان حرام گوشت نباشد، حتّي اگر مويي ازآن همراه نمازگزار باشد اشكال دارد.  مسأله 754ـ هرگاه آب دهان يا بيني يا رطوبت ديگري از حيوان حرام گوشت (مانند گربه) در بدن يا لباس نمازگزار باشد مادام كه عين آن برطرف نشده نماز با آن اشكال دارد، امّا اگر خشك شود و عين آن برطرف گردد نماز صحيح است.  مسأله 755ـ بودن مو يا عرق يا آب دهان انساني در بدن يا لباس انساني ديگر براي نماز او اشكال ندارد.  مسأله 756ـ اگر مرواريد يا موم همراه نمازگزار باشد براي نماز او اشكالي ندارد ولي نماز خواندن با دكمه صدف كه از حيوان حرام گوشت گرفته مي شود مشكل است.  مسأله 757ـ اگر شك داشته باشد كه لباس از پشم و كرك و موي حيوان حلال گوشت است يا حرام گوشت، نماز با آن صحيح است، خواه در داخل تهيّه شده باشد يا در خارج.  مسأله 758ـ اين ايّام چرمهاي مصنوعي را به وسيله مواد پلاستيكي و مانندآن مي سازند نماز خواندن با آن اشكالي ندارد و هرگاه شك كند كه چيزي چرم مصنوعي است يا چرم واقعي يا از حيوان حرام گوشت، يا حيوان مرده، آن هم اشكالي ندارد.  مسأله 759ـ بنابر احتياط واجب بايد از پوست خز و سنجاب در نماز اجتناب كرد.  **شرط پنجم ـ طلابافت نباشد**  مسأله 760ـ نماز خواندن با لباس طلا بافت براي مردان جايز نيست و نماز را باطل مي كند، ولي براي زنان در صورتي كه اسراف نباشد اشكالي ندارد، در غير حال نماز نيز پوشيدن چنين لباسي براي مردان حرام است.  مسأله 761ـ زينت طلا مانند انگشتر طلا و يا ساعت مچي طلا و مانند آن براي مردان حرام است و نماز با آن نيز باطل است و احتياط واجب آن است كه از استعمال عينك طلا نيز خودداري شود ولي همه اينها براي زنان در نماز و غير نماز جايز است.  مسأله 762ـ دندان طلا اگر در جلو باشد و جنبه زينت داشته باشد براي مردان چه در نماز و چه در غير نماز اشكال دارد، مگر اين كه ناچار باشند.  **شرط ششم ـ از ابريشم خالص نباشد**  مسأله 763ـ پوشيدن لباس از ابريشم خالص براي مردان حرام است، حتّي عرقچين و بند شلوار و نماز با آن باطل است، حتّي آستر لباس نيز نبايد از ابريشم خالص باشد، امّا براي زنان همه اينها چه در حال نماز و چه در غير نماز جايز است.  مسأله 764ـ لباسي كه معلوم نيست از ابريشم خالص است يا چيز ديگر پوشيدن آن اشكال ندارد و نماز با آن صحيح است.  مسأله 765ـ اگر دستمال ابريشمي و مانند آن در جيب مرد باشد حرام نيست و نماز را باطل نمي كند.  مسأله 766ـ هرگاه لباس مخلوط از ابريشم و غير آن باشد اشكالي براي هيچ كس ندارد، امّا اگر غير ابريشم بقدري كم باشدكه به حساب نيايد براي مرد جايز نيست.  مسأله 767ـ در حال اضطرار و ناچاري پوشيدن لباس ابريشمي خالص و طلا بافت يا غصبي و يا لباسي كه از مردار تهيّه شده مانعي ندارد و مي تواند با آن نماز بخواند.  مسأله 768ـ اگر غير از لباس نجس و ابريشمي و طلا بافت يا لباسي كه از مردار يا حيوان حرام گوشت تهيّه شده لباس ديگري ندارد بايد با همان نماز بخواند، ولي اگر لباس او منحصر به غصبي است و مي تواند برهنه نماز بخواند بايد به دستوري كه براي برهنگان گفته شد عمل كند.  مسأله 769ـ هرگاه لباسي كه نماز در آن جايز است در اختيار ندارد اگر مي تواند بايد بخرد يا كرايه كند واگر ديگري به او ببخشد يا عاريه دهد چنانچه منّت و ناراحتي زيادي نداشته باشد بايد قبول كند.  مسأله 770ـ بنابر احتياط واجب بايد انسان از پوشيدن لباس شهرت خودداري كند، منظور از لباس شهرت لباسي است كه جنبه رياكاري دارد و مي خواهد به وسيله آن مثلاً به زهد و ترك دنيا مشهور شود، خواه از جهت پارچه يا رنگ آن باشد يا دوخت آن، امّا اگر واقعا قصدش ساده پوشيدن است و جنبه ريا كاري ندارد نه تنها جايز است بلكه عملي است شايسته و اگر كسي با لباس شهرت نماز بخواند نماز او باطل نيست.  مسأله 771ـ پوشيدن لباسي كه مايه هتك و بي آبرويي انسان يا منشأ فساد مي شود اشكال دارد.  مسأله 772ـ احتياط آن است كه مرد لباس مخصوص زنان و زن لباس مخصوص مردان را نپوشد، ولي نماز با آن اشكال ندارد.  مسأله 773ـ كسي كه بايد خوابيده نماز بخواند هرگاه برهنه باشد، بنابر احتياط واجب بايد لحاف يا تشك او نجس يا ابريشم خالص و مانند آن كه در بالا گفته شد نباشد، مگر در حالت اضطرار.  **مواردي كه نجس بودن لباس يا بدن نمازگزار جايز است**  مسأله 774ـ در شش صورت اگر بدن يا لباس نمازگزار نجس باشد نماز او صحيح است:  1ـ در جايي كه به واسطه زخم يا جراحت و دمل، لباس يا بدن به خون آلوده شده باشد.  2ـ در جايي كه خون موجود در لباس كمتر از درهم باشد (درهم تقريباً به اندازه يك «بند انگشت» اشاره است).  3ـ هرگاه لباسهاي كوچك مانند جوراب و عرقچين او نجس باشد.  4ـ محمول متنجّس.  5ـ لباس زني كه پرستار بچّه است.  6ـ در جايي كه ناچار است با بدن يا لباس نجس نماز بخواند. شرح اينها در مسائل آينده خواهد آمد.  مسأله 775ـ اوّل هرگاه در بدن يا لباس نمازگزار خون زخم يا جراحت يا دمل باشد اگر به گونه اي است كه آب كشيدن بدن يا لباس، كار مشكلي است تا وقتي كه زخم يا جراحت و دمل خوب نشده مي تواند با آن نماز بخواند، همچنين است چركي كه با خون بيرون مي آيد، يا دوايي كه روي زخم مي گذارند و نجس مي شود، ولي اگر زخم بزودي خوب مي شود و شستن خون آن از لباس يا بدن آسان است بايد آن را آب كشد.  مسأله 776ـ جايي از لباس يا بدن كه با زخم فاصله دارد اگر با آن نجسشود بايد آن را آب بكشد، مگر جاهايي كه معمولاً خون از زخم به آنجاسرايت مي كند.  مسأله 777ـ هرگاه به آساني مي تواند زخم را پانسمان كند و از سرايت خون به ساير بدن يا لباس جلوگيري كند بايد اين كار را انجام دهد.  مسأله 778ـ هرگاه زخم داخل بيني يا دهان باشد و خوني از آن به بدن يا لباس رسد احتياط واجب آن است كه با آن نماز نخواند، خون بواسير نيز اگر از داخل بدن باشد همين حكم را دارد.  مسأله 779ـ كسي كه بدنش زخم است اگر در لباس يا بدن خود خوني ببيند و نداند از آن زخم است يا خون ديگر نماز خواندن با آن مشكل است.  مسأله 780ـ اگر چند زخم در بدن وجود دارد و بطوري نزديك هم است كه يك زخم حساب مي شود تا وقتي كه همه خوب نشده است نماز خواندن با آنها اشكال ندارد، ولي اگر به اندازه اي از هم دور است كه هر كدام يك زخم حساب مي شود، هر كدام خوب شود بايد بدن و لباس را از خون آن آب بكشد.  مسأله 781ـ دوم از موارد عفو، خون كمتر از درهم است كه در لباس نمازگزار باشد، نماز خواندن با آن جايز است به شرط اين كه از خون حيض يا نفاس و استحاضه و خون سگ و خوك و مردار و خون حيوان حرام گوشت و همچنين خون كافر نباشد(بنابر احتياط واجب).  مسأله 782ـ هرگاه خون در چند جاي لباس پراكنده باشد اگر مجموع آن كمتر از درهم است براي نماز ضرري ندارد، ولي خوني كه بر بدن است به هر مقدار باشد بنابر احتياط واجب بايد آن را شست.  مسأله 783ـ هرگاه لباس داراي آستر است اگر خون به آستر نيز سرايت كند هر كدام خون جداگانه اي حساب مي شود، ولي در پارچه اگر زياد ضخيم نباشد و از يك طرف به طرف ديگر سرايت كند، پشت و روي آن يكي محسوب مي شود.  مسأله 784ـ خوني كه كمتر از مقدار درهم است هرگاه بدون شستن از لباس زايل شود جاي آن نجس است، ولي براي نماز اشكالي ندارد.  مسأله 785ـ اگر خوني كه در لباس است كمتر از درهم باشد و نجاست ديگري مانند بول روي آن بريزد نماز خواندن با آن جايز نيست.  مسأله 786ـ سوم از موارد عفو، لباسهاي كوچك نمازگزار است، مانند عرقچين و جورابي كه نمي توان با آن عورت را پوشانيد، اگر نجس باشد نماز با آنها صحيح است و همچنين انگشتر و عينك كه نجس شده است.  مسأله 787ـ چهارم، هرگاه دستمال يا لباس نجسي كه مي توان با آن عورت راپوشانيد در جيب نمازگزار باشد نماز او صحيح است و همچنين ساير اشياء نجس، ولي احتياط مستحب اجتناب از آن است.  مسأله 788ـ پنجم، زني كه پرستار بچّه است و نمي تواند براي نماز به آساني لباس طاهر تهيّه كند، هرگاه در شبانه روز يك مرتبه لباس خود را بشويد مي تواند با آن نماز بخواند، هرچند لباسش با بول بچّه نجس شود، ولي احتياط آن است كه لباس خود را براي اوّلين نمازي كه به جا مي آورد آب بكشد.  مسأله 789ـ هرگاه بتواند با وسايلي (مثلاً با پوشكهاي معمولي) جلو سرايت نجاست بچّه را بگيرد بايد چنين كند و نيز اگر لباسهاي متعدد دارد بايد از لباس پاك استفاده كند.  **مستحبّات و مكروهات لباس نمازگزار**  مسأله 790ـ چند چيز در لباس نمازگزار به اميد ثواب مطلوب است، از آن جمله: پوشيدن لباس سفيد و پاكيزه ترين لباسها و استعمال بوي خوش و انگشتر عقيق به دست كردن.  مسأله 791ـ ترك چند چيز در لباس نمازگزار به اميد ثواب مطلوب است از جمله: پوشيدن لباس سياه (مگر در مورد تعظيم شعائر، چادر، عبا، و عمّامه سادات) و لباس كثيف و تنگ و لباس كسي كه از نجاست پرهيز نمي كند، مخصوصاً لباس شرابخوار و باز بودن دكمه هاي لباس و پوشيدن لباسي كه نقش صورت دارد و همچنين انگشتري كه روي آن صورت انسان يا حيواني نقش شده است.  **مكان نمازگزار**  مسأله 792ـ **مكان نمازگزار بايد داراي شرايط زير باشد:**  **شرط اوّل ـ مباح بودن**  احتياط واجب آنست كه مكان نمازگزار مباح باشد، بنابراين كسي كه درملك غصبي يا روي فرش يا تخت غصبي نماز مي خواند نمازش اشكال دارد، همچنين نماز در ملكي كه منفعت آن متعلّق به ديگري است (مثل اين كه در اجاره اوست) كه نماز خواندن در آن بدون اجازه مستأجر اشكال دارد، همچنين در ملكي كه مورد تعلّق حقّ ديگري است، مثل اين كه ميّت وصيّت كرده كه ثلث مال او را به مصرفي برسانند تا وقتي كه ثلث را جدا نكنند نمي توان در آن ملك نماز خواند.  مسأله 793ـ كسي كه در مسجد نشسته اگر ديگري جاي او را غصب كند و در آن نماز بخواند بنابر احتياط واجب بايد نمازش را اعاده كند.  مسأله 794ـ هرگاه در جايي نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد غصبي است نمازش صحيح است، همچنين اگر غصبي بودن جايي را مي دانست امّا فراموش كرد و بعداً به خاطرش آمد، ولي اگر خود غاصب فراموش كند و نماز بخواند نمازش اشكال دارد.  مسأله 795ـ هرگاه بداند مكاني غصبي است، امّا اين مسأله را كه نبايد در جاي غصبي نماز بخواند نمي دانست، هرگاه در آنجا نماز بخواند بنابر احتياط واجب نمازش را اعاده كند.  مسأله 796ـ كسي كه ناچار است نماز واجب را سواره بخواند چنانچه مركب يا صندلي و زين آن غصبي باشد و مجبور نباشد بر آن مركب نماز بخواند نماز او اشكال دارد، همچنين است اگر بخواهد در حال اختيار نماز مستحبّي را سواره بخواند.  مسأله 797ـ كسي كه با ديگري در ملكي شريك است اگر سهم او جدا نباشد بدون اجازه شريكش نمي تواند در آن ملك تصرّف كند و نماز بخواند.  مسأله 798ـ اگر با پولي كه خمس و زكات آن را نداده ملكي بخرد، تصرّف او در آن ملك حرام است و نمازش هم در آن اشكال دارد، همچنين است اگر به ذمّه بخرد امّا هنگام خريدن قصدش اين باشد از مالي كه خمس يا زكاتش را نپرداخته پول آن را بپردازد كه بنابر احتياط واجب بايد از آن اجتناب كند.  مسأله 799ـ هرگاه رضايت صاحب ملك از قرائن روشن و قطعي باشد نماز خواندن در آن ملك اشكالي ندارد، هرچند به زبان نگويد و بعكس اگر با زبان اجازه دهد امّا بداند قلباً راضي نيست نمي تواند نماز بخواند.  مسأله 800ـ تصرّف و نماز خواندن در ملك ميّتي كه خمس يا زكات بدهكار است حرام است، مگر آن كه بدهي او را بدهند.  مسأله 801ـ تصرّف و نماز خواندن در ملك ميّتي كه به مردم بدهكار است با اجازه ورثه مانعي ندارد، مگر اين كه آن تصرّف مزاحم حقّ طلبكاران گردد.  مسأله 802ـ هرگاه بعضي از ورثه ميّت، صغير يا ديوانه يا غايب باشند تصرّف در ملك آنها و نماز در آن حرام است، ولي تصرّفات جزيي كه براي برداشتن ميّت معمول است اشكال ندارد.  مسأله 803ـ نماز خواندن در مسافرخانه ها و حمّامها و مانند آن براي مسافران و مشتريان كه طبق متعارف وارد آنجا مي شوند اشكال ندارد، ولي در اماكن خصوصي بدون اجازه مالك جايز نيست، مگر آن كه اجازه تصرّفي بدهد كه معلوم شود براي نماز خواندن نيز راضي است مثل اين كه كسي را به ناهار يا شام يا استراحت دعوت كند كه مسلّماً براي نماز نيز رضايت دارد.  مسأله 804ـ در زمينهاي بزرگ زراعتي و غير زراعتي كه ديوار ندارد و زراعتي فعلاً در آن نيست نماز خواندن و نشستن و خوابيدن و تصرّفات جزئي اشكال ندارد، خواه نزديك شهر و روستا باشد يا دور از آن و خواه مالكين آن صغير باشند يا كبير، ولي اگر صاحبش صريحاً بگويد راضي نيستم يا بدانيم قلباً راضي نيست تصرّف در آن حرام و نماز نيز اشكال دارد.  **شرط دوم ـ استقرار**  مسأله 805ـ اگر مكان نمازگزار متحرّك باشد بطوري كه نتواند كارهاي نماز را بطور عادي انجام دهد، نماز او باطل است بنابراين، نماز خواندن در كشتي و قطار و مانند آن اگر بتواند كارهاي نماز را صحيح انجام دهد اشكال ندارد و اگر از جهت تنگي وقت يا ضرورت ديگري ناچار باشد نماز را در كشتي و اتومبيل و مانند آن بخواند و قبله دائماً در حال تغيير باشد بايد تا آنجا كه مي تواند به طرف قبله برگردد و در حال برگشتن به سوي قبله چيزي نخواند.  مسأله 806ـ نماز خواندن روي خرمن گندم و جو و مانند اينها كه مقداري حركت دارد جايز است به شرط اين كه بتواند واجبات نماز را انجام دهد.  مسأله 807ـ در جايي كه به واسطه احتمال باد و باران يا فشار جمعيّت و مانند آن اطمينان ندارد كه بتواند نماز را تمام كنداگر به اميد تمام كردن شروع كند و به مانعي برخورد ننمايد نمازش صحيح است.  مسأله 808ـ در جايي كه ماندن در آن حرام است (مثلاً جايي كه خطر خراب شدن سقف، يا ريزش كوه و آمدن سيلاب دارد) بايد نماز نخواند و اگر بخواند احتياط واجب اعاده آن است، همچنين روي چيزي كه ايستادن و نشستن بر آن حرام است مانند فرشي كه نام خدا بر آن نوشته شده است.  شرط سوم ـ توانائي انجام واجبات در آن محل  مسأله 809ـ بايددر جايي نماز بخواندكه بتواند واجبات راانجام دهد، پس در جايي كه سقف آن كوتاه است ونمي تواند بايستد ياجاي ركوعوسجود ندارد نمازباطل است.  مسأله 810ـ شايسته است انسان رعايت ادب كند و جلوتر از قبر پيغمبر(صلي الله عليه وآله) و امام(عليه السلام)، نماز نخواند و در صورتي كه نماز خواندن هتك و بي احترامي باشد حرام است و نماز هم اشكال دارد، در غير اين صورت نماز باطل نيست.  **شرط چهارم ـ تقدّم مرد بر زن**  مسأله 811ـ بايد در نماز، زن عقب تر از مرد بايستد و جاي سجده او از جاي سجده مرد كمي عقب تر باشد و الاّ نماز باطل است در اين حكم محرم و غير محرم تفاوتي ندارند، ولي اگر ميان مرد و زن ديوار يا پرده و مانند آن باشد، يا به اندازه ده ذراع (تقريباً 5 متر) فاصله باشد اشكال ندارد.  مسأله 812ـ اگر زن در كنار مرد يا جلوتر بايستد و باهم وارد نماز شوند نمازهر دو باطل است، امّا اگر يكي قبلاً وارد نماز شده، نماز او صحيح و نمازدومي باطل است.  **شرط پنجم ـ بلندتر نبودن محلّ پيشاني از جاي ايستادن**  مسأله 813ـ بايد محلّ پيشاني نمازگزار از جاي ايستادن او به اندازه اي بلند نباشد كه از صورت سجده بيرون رود و احتياط واجب آن است بيش از چهار انگشت بسته بلند تر يا پست تر نباشد.  مسأله 814ـ بودن مرد با زن نامحرم در جاي خلوت كه ديگري نمي تواند به آنجا وارد شود اشكال دارد و احتياط واجب ترك آن است و نماز خواندن در آنجا نيز اشكال دارد، همچنين نماز خواندن در محلّي كه مجلس گناه است مثلاً در آنجا شراب مي نوشند، قمار مي زنند يا غيبت مي كنند.  مسأله 815ـ احتياط واجب آن است كه نماز واجب را در خانه كعبه نخوانند، ولي نماز مستحب اشكال ندارد، بلكه مستحبّ است در داخل خانه كعبه در مقابل هر زاويه اي دو ركعت نماز بخوانند، ولي نماز بر پشت بام كعبه خواه واجب يا مستحب اشكال دارد.  **مكانهايي كه نماز خواندن در آنها مستحب يا مكروه است**  مسأله 816ـ مستحبّ است انسان نماز را در مسجد بخواند و بسيار روي آن تاكيد شده و بهتر از همه مساجد، مسجدالحرام است، سپس مسجد پيغمبر(صلي الله عليه وآله) و بعد مسجد كوفه و بعد از آن مسجد بيت المقدّس است و در درجه بعد مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محلّه و مسجد بازار است.  مسأله 817ـ براي زنها در صورتي كه خود را از نامحرم بخوبي حفظ كنند بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهي براي ياد گرفتن مسائل اسلامي جز از طريق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است به مسجد بروند.  مسأله 818ـ نماز در حرم امامان(عليهم السلام) مستحبّ است، بلكه در حديث آمده نماز در حرم مطهّر حضرت اميرالمؤمنين(عليه السلام) برابر با دويست هزار نماز است.  مسأله 819ـ رفتن به مسجدي كه نمازگزار ندارد مستحبّ است و همسايگان مسجد تا عذري نداشته باشند نماز در مسجد را ترك نكنند.  مسأله 820ـ شايسته است انسان با كساني كه از روي بي اعتنايي، به مسجد مسلمانها حاضر نمي شوند رابطه دوستي برقرار نكند، با آنها غذا نخورد و در كارها با آنها مشورت ننمايد و از آنها زن نگيرد و به آنها زن ندهد.  مسأله 821ـ شايسته است نماز را در اين چند جا نخوانند: حمّام، زميننمك زار، مقابل انساني كه نشسته يا ايستاده است، مقابل دري كه باز است و در جادّه ها، و كنار خيابانها، در صورتي كه مزاحم عبور و مرور مردم نباشد، و اگرمزاحم باشد حرام است; همچنين نماز خواندن در مقابل آتش، چراغ،داخل آشپزخانه و هرجا كه كوره آتش باشد، مقابل چاه و چاله اي كه محلّفاضلاب است و روبه روي عكس و مجسّمه چيزي كه روح دارد، مگر آن كه رويآن پرده بكشند و در جايي كه عكس باشد هرچند مقابل نمازگزار نيست ودر مقابل قبر و روي قبر و در قبرستان و در اطاقي كه شخص جُنُب درآن باشد.  مسأله 822ـ هرگاه انسان در جايي نماز مي خواند كه مردم از جلو او عبور مي كنند مستحبّ است جلو خود چيزي بگذارد كه ميان او و آنها حايل گردد، حتّي اگر عصا و تسبيح و ريسماني هم باشد كافي است.  **چيزي كه سجده بر آن صحيح است**  مسأله 965ـ هنگام سجده بايد پيشاني بر زمين يا چيزهايي كه از زمين مي رويد مانند چوب و برگ درختان باشد، ولي سجده بر چيزهاي خوراكي و پوشاكي هرچند از زمين برويد جايز نيست و همچنين سجده كردن بر فلزّات مانند طلا و نقره باطل است، امّا سجده بر سنگهاي معدني مانند سنگ مرمر و سنگهاي سفيدوسياه و حتّي عقيق اشكال ندارد.  مسأله 966ـ احتياط واجب آن است كه بر برگ درخت مو كه بعضي آن را در غذا مصرف مي كنند سجده نكند.  مسأله 967ـ سجده بر علف و كاه و مانند اينها كه از زمين مي رويد و خوراك حيوان است اشكال ندارد و همچنين سجده بر گلهايي كه خوراكي انسان نيستند، امّا گلها و گياهاني كه از قبيل داروي خوراكي هستند مانند گل بنفشه و گل گاو زبان بنا بر احتياط، سجده بر آنها صحيح نيست، همچنين سجده بر گياهاني كه در بعضي از شهرها خوراكي است و در بعضي از شهرها خوراكي نيست.  مسأله 968ـ سجده بر سنگ آهك و سنگ گچ چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحيح است، همچنين بر آجر و سفال و سيمان نيز جايز است.  مسأله 969ـ سجده بر كاغذ جايز است مگر آن كه يقين داشته باشيم از پنبه يا چيزهايي ساخته شده كه سجده بر آنها شرعاً جايز نيست و از آنجا كه غالب كاغذها را در حال حاضر از چوب مي سازند و يا حدّاقل شك داريم از چه مي سازند سجده بر آنها جايز است.  مسأله 970ـ بهتر از هر چيز براي سجده خاك مخصوصاً «تربت حضرت سيّد الشّهداء(عليه السلام)» است كه يادآور خونهاي شهيدان مي باشد.  مسأله 971ـ هرگاه چيزي كه سجده بر آن صحيح است در اختيار ندارد، يا به واسطه گرمي و سردي زياد نمي تواند بر آن سجده كند، بايد بر لباسش اگر از كتان يا پنبه است سجده كند و اگر از چيز ديگر است (مثلاً از پشم است) بر همان يا بر فرش سجده نمايد و اگر آن هم ممكن نيست بر فلزّات و اشياء معدني سجده كند و اگر مطلقا چيزي پيدا نمي كند كه بتوان بر آن سجده كرد بر پشت دست خود سجده مي كند، بنابر اين پشت دست آخرين چيزي است كه مي توان بر آن سجده كرد.  مسأله 972ـ هرگاه در سجده اوّل مهر به پيشاني بچسبد بايد آن را براي سجده دوم از پيشاني جدا كند و اگر به همان حال به سجده دوم رود اشكال دارد.  مسأله 973ـ هرگاه در اثناء نماز چيزي را كه سجده بر آن صحيح است از دست بدهد، مثلاً بچّه اي آن را بردارد، چنانچه وقت نماز باقي است نماز را تمام كرده و بنابر احتياط دوباره مي خواند و اگر وقت تنگ است قضا ندارد، در هر دو صورت به ترتيبي كه در دو مسأله قبل گفته شد عمل نمايد.  مسأله 974ـ هرگاه در حال سجده متوجّه شود پيشاني را بر چيزي گذارده كه سجده بر آن جايز نيست، اگر ممكن است و منافات با صورت نماز گزار ندارد پيشاني را به روي چيزي كه سجده بر آن صحيح است بكشد و اگر دسترسي ندارد و وقت تنگ است به دستور مسأله پيش عمل كند.  مسأله 975ـ هرگاه بعد از نماز يابعد از سجده متوجّه شود بر چيزي سجده كرده كه سجده بر آن جايز نبوده، نمازش صحيح است.  مسأله 976ـ سجده كردن براي غير خداوند متعال حرام است و بعضي از مردم عوام كه در مقابل قبر امامان(عليهم السلام) پيشاني را بر زمين مي گذارند اگر به قصد سجده براي امام(عليه السلام) باشد فعل حرام است و اگر براي شكر خدا باشد اشكالي ندارد، ولي اگر در نظر بينندگان چنين نشان دهد كه سجده براي امام(عليه السلام) است يا بهانه به دست دشمنان دهد اشكال دارد.  **مستحبّات سجده**  مسأله 977ـ چند چيز در سجده به رجاء ثواب الهي مطلوب است:  1ـ بعد از سر برداشتن از ركوع در حالي كه بدن آرام است براي رفتن به سجده تكبير گويد و همچنين بعد از سجده اوّل و نيز براي رفتن به سجده دوم.  2ـ مردان اوّل دستها را به زمين بگذارند و زنان اوّل زانوها را.  3ـ علاوه بر پيشاني، بيني را نيز بر چيزي كه سجده بر آن صحيح است بگذارد.  4ـ در حال سجده انگشتان دست را به هم بچسباند و مقابل گوش رو به قبله بگذارد.  5ـ در سجده دعا كند و حاجات خود را از خداوند بخواهد و از دعاهاي خوب و مناسب اين دعا است: «يا خَيْرَ الْمَسْؤولينَ وَ اَوْسَعَ الْمُعْطينَ اُرْزُقْنِي وَ ارْزُقْ عِيالي مِنْ فَضْلِك فَإنَّك ذُوالْفَضْلِ الْعَظيمِ» يعني: «اي بهترين كسي كه مردم از او حاجت مي طلبند و اي بهترين بخشندگان، به من و عيالم از فضل خودت روزي بده كه تو داراي فضل عظيمي».  6ـ بعد از سجده روي ران چپ بنشيند، و روي پاي راست را بر كف پاي چپ بگذارد (واين را تَوَرّك گويند).  7ـ در ميان دو سجده هنگامي كه بدن آرام است «اَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» گويد.  8ـ سجده را طولاني كند و تسبيح و حمد و ذكر خدا گويد و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد.  9ـ در موقع نشستن دستها را روي ران بگذارد.  10ـ به هنگام بلند شدن، اوّل زانوها را از زمين بردارد و بعد دستها را.  **مكروهات سجده**  مسأله 978ـ قرآن خواندن در سجده مكروه است، همچنين فوت كردن محلّ سجده براي برطرف كردن گرد و غبار و اگر در اثر فوت كردن عمداً كلمه دو حرفي از دهان بيرون آيد نماز اشكال دارد.  **سجده هاي واجب قرآن مجيد**  مسأله 979ـ چنان كه گفته شد در چهار سوره از قرآن مجيد آيه سجده است (سوره «الم سجده» و «حم سجده» و «النجم» و «اقرء») و هرگاه انسان آيه سجده را بخواند يا گوش كند بايد فوراً به سجده رود و اگر فراموش كرد هر زمان يادش آيد سجده واجب است و اگر گوش ندهد بلكه آيه سجده به گوشش بخورد، بنابر احتياط واجب بايد سجده كند.  مسأله 980ـ اگر انسان خودش آيه سجده را بخواند و در همان حال از ديگري هم بشنود يك سجده كافي است.  مسأله 981ـ هرگاه در غير نماز در حال سجده آيه سجده را بخواند يا به آن گوش فرا دهد، بايد سر از سجده بردارد و دوباره سجده كند.  مسأله 982ـ هرگاه آيه سجده را از مثل نوار يا راديو گوش كند احتياط آن است كه سجده كند.  مسأله 983ـ در سجده واجب قرآن، بايد پيشاني را بر چيزي بگذارد كه سجده نماز بر آن جايز است بنابر احتياط واجب، همچنين ستر عورت و غصبي نبودن را رعايت كند، ولي ساير شرايطي كه در نماز لازم است در اين سجده واجب نيست.  مسأله 984ـ براي سجده واجب قرآن كافي است به سجده رود و ذكر گفتن واجب نمي باشد، امّا بهتر است ذكر بگويد و بهتر است اين ذكر را انتخاب كند: «لا اِلهَ إلاَّ اللّهُ حَقّاً حَقّاً لا اِلهَ إلاَّ اللّهُ اِيماناً وَ تَصْديقاً لا اِلهَ إلاَّ اللّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقّاً سَجَدْتُ لَك يا رَبِّ تَعَبُّداً وَرِقّاً لا مُسْتَنْكفاً وَ لا مُسْتَكبِراً بَلْ اَنَا عَبْدٌ ذَليلٌ ضَعيفٌ خائِفٌ مُسْتَجيرٌ».  مسأله 985ـ در سجده قرآن، رو به قبله بودن شرط نيست و به هرسوي مي تواند سجده كند، ولي بهتر روبه قبله بودن است.  **8ـ تشهّد**  مسأله 986ـ در ركعت دوم تمام نمازها، تشهّد واجب است، همچنين در ركعت آخر نماز مغرب و عشا و ظهر و عصر، و طريقه تشهّد اين است كه بعد از سجده دوم مي نشيند و در حال آرام بودن بدن ذكر تشهّد را مي گويد و كافي است بگويد: «اَشْهَدُاَنْ لا اِلهَ إلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَريك لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلي مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد» و اين كلمات بايد به عربي صحيح و به ترتيب و پشت سر هم گفته شود.  مسأله 987ـ هرگاه تشهّد را فراموش كند اگر پيش از ركوع ركعت بعد يادش بيايد بايد بنشيند و تشهّد را بخواند و دوباره برخيزد و از نو تسبيحات را بخواند، امّا اگر در ركوع يا بعد از آن يادش بيايد نمازش صحيح است و برگشتن واجب نيست، ولي احتياط آن است كه بعد از نماز تشهّد را قضا كند و دو سجده سهو نيز به جا آورد.  مسأله 988ـ اگر شك كند كه تشهّد را خوانده يا نه، در صورتي كه وارد ركعت بعد شده اعتنا نكند و اگر هنوز بر نخاسته بايد آن را بخواند.  مسأله 989ـ مستحبّ است در حال تشهّد بر ران چپ بنشيند و روي پاي راست را بر كف پاي چپ بگذارد و نيز مستحبّ است قبل از تشهّد بگويد: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ» يا «بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ الحَمْدُ لِلّهِ وَ خَيْرُ الاْسْماءِ لِلّهِ» و نيز مستحبّ است در حال تشهّد دستها را بر ران بگذارد و انگشتها را به يكديگر بچسباند و به دامان خود نگاه كند و بعد از تمام شدن تشهّد اوّل بگويد: «وَ تَقَبَّلْ شَفْاعَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ» (خداوندا شفاعت پيامبر(صلي الله عليه وآله) را بپذير و درجه او را بالاتر ببر).  **9ـ سلام**  مسأله 990ـ در ركعت آخر تمام نمازها بعد از تشهّد، واجب است سلام بگويد و سلام داراي سه صيغه است: «اَلسَّلامُ عَلَيْك اَيُّهَا النَّبِي وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَ عَلي عِبادِ اللّهِ الصّالِحينَ، اَلسّلامُ عَلَيْكمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ» سلام واجب همان سلام سوم است و مي تواند به آن قناعت كند، ولي اكتفا به سلام دوم به تنهايي مشكل است و سلام اوّل از مستحبّات است.  مسأله 991ـ اگر سلام نماز را فراموش كند و هنگامي يادش بيايد كه صورت نماز به هم نخورده و كاري كه عمداً و سهواً نماز را باطل مي كند (مانند پشت به قبله كردن) انجام نداده است، بايد سلام را بگويد و نمازش صحيح است، امّا اگر موقعي يادش بيايد كه صورت نماز به هم خورده، ولي كاري كه عمداً و سهواً نماز را باطل مي كند انجام نداده، سلام لازم نيست و نمازش صحيح است و اگر پيش از آن كه صورت نماز به هم بخورد چنين كاري را انجام داده احتياط واجب آن است كه نماز را اعاده كند.  **10ـ ترتيب**  مسأله 992ـ نمازگزار بايد كارهاي نماز را به ترتيبي كه در مسائل گذشته گفته شد انجام دهد و اگر عمداً برخلاف آن انجام دهد، مثلاً سجود را قبل از ركوع، يا تشهّد را قبل از سجده انجام دهد نمازش باطل است و اگر از روي فراموشي باشد بايد تا داخل ركن بعد نشده، برگردد و انجام دهد بطوري كه ترتيب حاصل شود و اگر وارد ركن بعد شده نمازش صحيح است، مگر آن كه جزء فراموش شده از اركان نماز باشد، مثل اين كه ركوع را فراموش كند تا وارد سجده دوم شود كه در اين صورت نمازش باطل است.  **11ـ موالات**  مسأله 993ـ نمازگزار بايد موالات را رعايت كند، يعني در ميان كارهاي نماز، مانند ركوع و سجود و تشهّد، آن قدر فاصله نيندازد كه از صورت نماز خارج شود وگرنه نمازش باطل است خواه عمداً باشد يا از روي سهو.  مسأله 994ـ اگر در ميان حرفها يا كلمات قرائت، يا كلمات ذكر و تشهّد سهواً فاصله بيندازد كه صورت قرائت و كلمات از بين برود ولي صورت نماز از بين نرود بايد برگردد و بطور صحيح بخواند، مگر آن كه وارد ركن بعد شده باشد كه نمازش صحيح است و بازگشت ندارد.  مسأله 995ـ طول دادن ركوع و سجود و قنوت وخواندن سوره هاي طولاني درقرائت، موالات را به هم نمي زند، بلكه افضل است.  **قنوت**  مسأله 996ـ قنوت در تمام نمازهاي واجب و مستحب پيش از ركوع ركعت دوم مستحبّ است، ولي احتياط آن است كه در نماز شفع قنوت را ترك نمايد و در نماز وتر با آن كه يك ركعت است خواندن قنوت پيش از ركوع مستحب مي باشد.  مسأله 997ـ نماز آيات پنج قنوت و نماز عيد فطر و قربان در ركعت اوّل پنج قنوت و ركعت دوم چهار قنوت دارند.  مسأله 998ـ در قنوت، ذكر و دعاي مخصوصي شرط نيست، همچنين بلند كردن دستها، ولي بهتر آن است دستها را تا مقابل صورت بلند كند بطوري كه كف دست رو به آسمان باشد و آنها را به يكديگر بچسباند و ذكر خدا بگويد و يا دعا كند و هر ذكري در قنوت بخواند جايز است حتّي گفتن يك «سُبْحانَ اللّهِ»، ولي بهتر است دعاهايي مانند دعاي زير را بخواند: «لا اِلهَ إلاَّ اللّهُ الْحَليمُ الْكريمُ لا اِلهَ إلاَّ اللّهُ الْعَلِي الْعَظيمُ سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ السَّمَواتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الاْرَضينَ السَّبْعِ وَ ما فيهِنَّ وَ ما بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ» وحوائج دنياو آخرت را از خدا طلب كند.  مسأله 999ـ مستحبّ است قنوت را كمي بلند تر بخواند ولي در نماز جماعت طوري نخواند كه امام جماعت صداي او را بشنود.  مسأله 1000ـ هرگاه قنوت را عمداً ترك كند قضا ندارد و اگر فراموش كند اگر پيش از آن كه به اندازه ركوع خم شود يادش بيايد مستحبّ است بايستد و بخواند و اگر در ركوع يادش بيايد مستحبّ است بعد از ركوع قضا كند و اگر در سجده يادش بيايد بعد از سلام نماز قضا نمايد.  **ترجمه نماز**  **ترجمه سوره حمد**  بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ: به نام خداوند بخشنده بخشايشگر اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ: ستايش مخصوص خداوندي است كه پروردگار جهانيان است.  اَلرَّحْمنِ الرَّحيمِ: بخشنده و بخشايشگر است.  مَالِك يَوْمِ الدّينِ: (خداوندي كه) صاحب روز جزا است.  اِيّاك نَعْبُدُ وَ اِيّاك نَسْتَعِينُ: (پروردگارا) تنها تو را مي پرستيم و تنها از تو ياري مي جوييم.  اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقيمَ: ما را به راه راست هدايت فرما!  صِراطَ الَّذينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ: راه كساني كه آنان را مشمول نعمت خود ساختي،  غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لا الضّآلّينَ: نه راه كساني كه بر آنان غضب كردي و نه گمراهان!  **ترجمه سوره قل هواللّه**  بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ: به نام خداوند بخشنده بخشايشگر  قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ: بگو اوست خداي يكتا.  اَللّهُ الصَّمَدُ: خداوندي است كه همه نيازمندان قصد او مي كنند;  لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ: (هرگز) نزاد و زاده نشد;  وَ لَمْ يَكنْ لَهُ كفُواً اَحَدٌ و براي او هيچ گاه شبيه و مانندي نبوده است.  **ترجمه ذ كر ركوع**  سُبْحانَ رَبِّي الْعَظيمِ وَ بِحَمدِهِ: پاك و منزّه است پروردگار بزرگ من و او را سپاس مي گويم.  **ترجمه ذ كر سجود**  سُبْحانَ رَبِّي الاْعْلي وَ بِحَمْدِهِ: پاك و منزّه است خداوند بلند مقام من و او را سپاس مي گويم.  **ترجمه تشهّد**  اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ إلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَريك لَهُ: گواهي مي دهم هيچ كس شايسته پرستش جز خداوند نيست، يگانه است و شريك ندارد.  وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ: و گواهي مي دهم محمد(صلي الله عليه وآله) بنده و فرستاده اوست.  اَللّهُمَّ صَلِّ عَلي مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد: خداوندا! درود بفرست بر محمد(صلي الله عليه وآله) و اهل بيت او(عليهم السلام).  **ترجمه سلام**  اَلسَّلامُ عَلَيْك اَيُّهَا النَّبِي وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ: سلام بر تواي پيغمبر و رحمت خدا و بركات او بر تو باد.  اَلسَّلاْمُ عَلَيْنا وَ عَلي عِبادِ اللّهِ الصّالِحينَ: سلام بر ما و بر تمام بندگان صالح خدا.  السَّلامُ عَلَيْكمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ: سلام بر شما اي جمعيّت نمازگزاران و رحمت و بركات او بر شما باد.  **ترجمه تسبيحات**  سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَ اللّهُ اَكبَرُ: پاك و منزّه است خداوند و حمد و ستايش مخصوص اوست و معبودي جز او نيست و خداوند بزرگتر از آن است كه به وصف آيد.  **ترجمه قنوت**  رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الاْخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ: خداوندا در دنيا و در سراي ديگر به ما نيكي مرحمت فرما و ما را از عذاب دوزخ نگاه دار!  **تعقيبات نماز**  مسأله 1001ـ مستحبّ است نمازگزار بعد از نماز مشغول ذكر و دعا و قرآن شود و اين را تعقيب مي نامند و بهتر است پيش از آن كه از جاي خود حركت كند و وضوي او باطل شود رو به قبله بنشيند و تعقيب را بخواند. در كتابهاي دعا تعقيب هاي زيادي از ائمّه معصومين(عليهم السلام) نقل شده كه يكي از مهمترين آنها تسبيح حضرت زهراء(عليها السلام) است، به اين ترتيب كه 34 مرتبه «اَللّهُ اَكبَرُ»، سپس 33 مرتبه «اَلْحَمْدُ لِلّهِ» و بعد 33 مرتبه «سُبْحانَ اللّهِ» بگويد و فضيلت و ثواب بسيار دارد.  مسأله 1002ـ ديگر از مستحبّات بعد از نماز سجده شكر است و آن اين است كه پيشاني را به قصد شكر بر زمين بگذارد و اگر شكر خداوند را به زبان نيز آورد بهتر است و به قصد رجاء يك مرتبه يا سه مرتبه، يا صد مرتبه «شُكراً لِلّهِ» بگويد و مستحبّ است هر وقت نعمتي به انسان برسد يا بلايي از او دفع شود سجده شكر به جا آورد.  مسأله 1003ـ صلوات بر پيغمبر(صلي الله عليه وآله) و آل او(عليهم السلام) بعد از نماز، يا در حال نماز و همچنين در ساير حالات از مستحبّات مؤكد است و نيز مستحبّ است هر موقع نام مبارك حضرت رسول(صلي الله عليه وآله) خواه محمّد باشد يا احمد و همچنين لقب و كنيه آن جناب را مانند مصطفي و ابوالقاسم بشنود صلوات بفرستد، حتّي اگر در نماز باشد، همچنين اگر خودش اين نامهاي مقدّس را بر زبان جاري كند صلوات بفرستد.  مسأله 1004ـ هنگام نوشتن اسم مبارك حضرت رسول(صلي الله عليه وآله) نيز مستحبّاست صلوات را بنويسد، حتّي بهتر است هر وقت ياد آن حضرت مي كندهرچند بر زبان جاري نكند صلوات بفرستد و صلوات از اذكار بسيار با فضيلت و پرثواب است.  **مبطلات نماز**  مسأله 1005ـ دوازده چيز نماز را باطل مي كند كه آنها را «مبطلات نماز» مي گويند.  اوّل: از بين رفتن يكي از شروط نماز  يعني: در بين نماز يكي از شرطهاي آن از بين برود.  دوم: باطل شدن وضو  مسأله 1006ـ اگر در بين نماز چيزي كه وضو را باطل مي كند انجام دهد، خواه عمداً باشد يا سهواً، يا از روي ناچاري نماز او باطل است; ولي كسي كه نمي تواند از بيرون آمدن بول و غائط جلوگيري كند بايد مطابق دستوري كه در احكام وضو گفته شد عمل نمايد، همچنين خارج شدن خون از زن مستحاضه نماز را باطل نمي كند به شرط اين كه به دستورات استحاضه عمل كرده باشد.  مسأله 1007ـ كسي كه بي اختيار خوابش برده (مثلاً در حال سجده خوابش برده) امّا نمي داند در سجده نماز بوده يا بعد از آن، در سجده شكر، بايد نماز را اعاده كند.  سوم: دست بسته نماز خواندن  مسأله 1008ـ اگر دست بسته نماز بخواند آن گونه كه بعضي از فرق اسلامي انجام مي دهند، حتّي اگر به قصد ادب دستها را روي هم بگذارد، يا دست به سينه نماز بخواند، هرچند شبيه آنها نباشد احتياط آن است كه نماز را اعاده كند، امّا اگر از روي فراموشي و ناچاري يا براي كار ديگري مثل خاراندن دست و مانند آن باشد اشكال ندارد.  چهارم: آمين گفتن  مسأله 1009ـ اگر بعد از خواندن حمد «آمين» بگويد، احتياط واجب اين است كه نماز را تمام كند و اعاده نمايد ولي اگر از روي اشتباه يا در حال تقيّه بگويد اشكال ندارد.  پنجم: پشت به قبله نماز خواندن  مسأله 1010ـ اگر پشت به قبله كند يا كاملاً به طرف راست يا چپ قبله برگردد، خواه از روي عمد باشد يا فراموشي، همچنين اگر عمداً بقدري منحرف شود كه نگويند رو به قبله است نمازش باطل است.  مسأله 1011ـ هرگاه عمداً يا سهواً صورت را به تنهايي كاملاً به طرف راست يا چپ برگرداند بنابر احتياط واجب نمازش را اعاده كند، ولي اگر صورت را كمي بگرداند بطوري كه از قبله خارج نشود نماز باطل نمي شود.  ششم: حرف زدن  مسأله 1012ـ اگر عمداً حرف بزند، حتّي يك جمله، يا يك كلمه، حتّي كلمه دو حرفي مانند «من» و «ما» نماز او باطل است بلكه بنابر احتياط اگر دو حرف معني دار هم نباشد نماز باطل مي شود (منظوراز احتياط در مبطلات نماز آن است كه نماز را تمام كرده بعد اعاده كند).  مسأله 1013ـ سخن گفتن از روي سهو و فراموشي و نسيان نماز را باطل نمي كند.  مسأله 1014ـ هرگاه كلمه اي بگويد كه يك حرف بيشتر ندارد چنانچه معني داشته باشد (مانند «ق» در عربي يعني نگه دار) و معني آن را قصد كند نمازش باطل است و اگر قصد نكند امّا متوجّه معني آن باشد احتياط آن است كه نماز را اعاده كند.  مسأله 1015ـ سرفه كردن، آه كشيدن، عطسه زدن، نماز را باطل نمي كند، هرچند عمدي باشد، ولي گفتن «آخ» و «آه» و مانند اينها كه دو حرف دارد اگر عمدي باشد بنابر احتياط واجب نماز را باطل مي كند.  مسأله 1016ـ ذكر خدا، قرائت قرآن دعا، در هر جاي نماز جايز است اگر جمله اي را مانند «اَللّهُ اَكبَرُ» به قصد ذكر خدا بگويد، امّا در موقع گفتن، صدا را بلندكند كه چيزي را به ديگري بفهماند اشكال ندارد، ولي دعا و ذكر به زبانهاي غير عربي اشكال دارد.  مسأله 1017ـ تكرار كردن آيات حمد و سوره يا ذكرهاي ركوع و سجود و تسبيحات براي ثواب يا براي احتياط مانعي ندارد، امّا اگر به خاطر وسوسه باشد اشكال دارد.  مسأله 1018ـ نمازگزار نبايد در حال نماز به ديگري سلام كند، ولي اگر ديگري به او سلام كند جواب او واجب است، امّا جواب بايد مانند سلام باشد، مثلاً اگر گفت: «اَلسَّلامُ عَلَيْك» در جواب بگويد «اَلسَّلامُ عَلَيْك» و اگر بگويد «سَلامٌ عَلَيْكمْ» در جواب بگويد «سَلامٌ عَلَيْكمْ»، حتّي اگر بگويد «سلام» در جواب بايد بگويد «سلام».  مسأله 1019ـ در غير نماز هم جواب سلام واجب، امّا سلام كردن مستحبّ است و بايد جواب را طوري بگويد كه جواب سلام محسوب شود، يعني اگر زياد فاصله بيندازد كه جواب محسوب نشود كار حرامي كرده و جواب دادن واجب نيست.  مسأله 1020ـ اگر كسي در حال نماز جواب سلام را ندهد گناه كرده ولي نمازش صحيح است.  مسأله 1021ـ واجب است جواب سلام را طوري بگويد كه سلام كننده بشنود، امّا اگر سلام كننده كر باشد يا در محيطي است كه سر و صدا زياد است چنانچه بطور معمول جواب دهد كافي است و احتياط آن است كه با اشاره نيز به او بفهماند.  مسأله 1022ـ جواب سلام را بايد به قصد جواب بگويد، نه به قصد قرائت بعضي از آيات قرآن و مانند آن.  مسأله 1023ـ هرگاه مرد يا زن نامحرم حتّي بچّه اي كه خوب و بد را مي فهمد به نمازگزار يا غير نمازگزار سلام كند جواب او واجب است.  مسأله 1024ـ هرگاه سلام از روي مسخره يا شوخي باشد و يا طوري غلط بگويد كه سلام حساب نشود جواب آنها لازم نيست و احتياط واجب آن است كه در جواب سلام غير مسلمان فقط «سلام» بگويد، يا تنها «عليك».  مسأله 1025ـ اگر كسي وارد مجلس شود و به جمعيّت سلام كند جواب او بر همه واجب است، ولي اگر يك نفر جواب دهد كافي است.  مسأله 1026ـ هرگاه به عدّه اي سلام كند و در ميان آنها بعضي مشغول نماز باشند اگر نمازگزار شك كند كه سلام كننده قصد او را داشته يا نه، نبايد جواب دهد و نيز اگر بداند قصد او را هم داشته، ولي ديگري جواب سلام را بدهد، امّا در اين صورت اگر ديگران جواب نگويند او بايد جواب دهد.  مسأله 1027ـ سلام كردن از مستحبّات مؤكد است و در قرآن مجيد و روايات اسلامي روي آن تأكيد فراوان شده است و سزاوار است كه سواره به پياده و ايستاده به نشسته و كوچكتر به بزرگتر سلام كند.  مسأله 1028ـ اگر دو نفر همزمان به يكديگر سلام كنند احتياط واجب آن است كه هر دو جواب دهند.  مسأله 1029ـ اين كه بعضي در جواب سلام مي گويند: «سلام از من» كافي نيست، بلكه سلام ديگر از ناحيه شخص مقابل محسوب مي شود و هر دو احتياطاً بايد بعد از آن جواب دهند.  مسأله 1030ـ مستحبّ است جواب سلام را بهتر از سلام بگويند (البتّه در نماز همان گونه كه گفته شد بايد مثل آن باشد) مثلاً اگر كسي درغير نماز بگويد: «سَلامٌ عَلَيْكمْ» در جواب بگويد : «سَلامٌ عَلَيْكمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ».  هفتم: خنده  مسأله 1031ـ خنده عمدي و با صدا نماز را باطل مي كند و همچنين خنده اي كه در آن بي اختيار باشد، امّا تبسم و لبخند نماز را باطل نمي كند هرچند عمدي باشد و نيز خنده سهوي به گمان اين كه در حال نماز نيست موجب باطل شدن نماز نمي شود.  مسأله 1032ـ هرگاه براي جلوگيري از صداي خنده به خود فشار آورد بطوريكه حالش تغيير كند و رنگش سرخ شود و بدن تكان بخورد بطوري كهاز شكل نمازگزار بيرون رود نماز او باطل است واگر به اين حد نرسد اشكاليندارد.  هشتم: گريه كردن  مسأله 1033ـ گريه كردن با صدا نماز را باطل مي كند هرچند بي اختيارشود، بلكه بنابر احتياط واجب گريه بي صدا نيز نماز را باطل مي كند اينهادر صورتي است كه گريه از ترس خدا و براي آخرت نباشد، و الاّ نه تنها نماز را باطل نمي كند، بلكه از بهترين اعمال و از كارهاي اولياي خداست.  نهم: بهم خوردن صورت نماز  مسأله 1034ـ كارهايي كه صورت نماز را به هم مي زند مانند كف زدن و به هوا پريدن و مانند آن، خواه از روي عمد باشد يا از روي فراموشي باعث باطل شدن نماز است، امّا كارهايي كه صورت نماز را به هم نمي زند اشكالي ندارد مانند اشاره كردن به دست.  مسأله 1035ـ هرگاه در اثناء نماز آنقدر سكوت كند كه از صورت نمازگزار خارج شود نمازش باطل است، امّا اگر مقداري سكوت كند و شك كند كه آيا اين مقدار سكوت، نماز را به هم زده يا نه، نمازش صحيح است، همچنين اگر كاري انجام داده كه شك دارد صورت نماز را به هم مي زند يا نه.  دهم: خوردن و آشاميدن  مسأله 1036ـ خوردن و آشاميدن به گونه اي كه صورت نماز را به هم زند موجب باطل شدن نماز است، ولي اگر ذرّاتي از غذا و مانند آن در دهان باشد و موقع نماز فرو برد نماز را باطل نمي كند.  يازدهم: شك  مسأله 1037ـ از مبطلات نماز شك در ركعتهاي نماز دو ركعتي، يا سه ركعتي، همچنين شك در ركعت اوّل و دوم نماز چهار ركعتي است.  دوازدهم: كم يا زياد كردن اركان  مسأله 1038ـ اگر ركني از اركان نماز را كم يا زياد كند عمداً باشد يا سهواً، مانند كم و زياد كردن ركوع، يا دو سجده باهم موجب باطل شدن نماز است، امّا كم و زياد كردن چيزي كه ركن نيست اگر عمدي نباشد اشكالي ندارد و اگر از روي عمد باشد نماز را باطل مي كند، مانند كم و زياد كردن يك سجده.  مسأله 1039ـ هرگاه بعد از نماز شك كند كه چيزي از مبطلات را در نماز انجام داده يا نه اعتنا نكند و نمازش صحيح است.  **اموري كه در نماز مكروه است**  مسأله 1040ـ هركاري كه خضوع و خشوع نمازگزار را از بين ببرد مكروه است، از جمله نگاه كردن به چپ و راست (البته اگر صورت را زياد برگرداند نماز اشكال دارد) و بازي كردن با ريش و با دست خود و داخل كردن انگشتها در يكديگر و انداختن آب دهان و نگاه كردن به خط انگشتر و نيز مكروه است هنگامي كه مشغول حمد وسوره و ذكر نماز است براي شنيدن حرف كسي ساكت شود، همچنين مكروه است كه انسان در موقع خواب آلودگي يا وقتي كه نياز به دفع بول و غائط دارد، يا لباس تنگ در تن كرده نماز بخواند.  **مواردي كه شكستن نماز جايز است**  مسأله 1041ـ شكستن نماز واجب عمداً بنابر احتياط جايز نيست، ولي براي جلوگيري كردن از ضرر قابل توجّه مالي يا بدني مانعي ندارد، مثلاً اگر جان نمازگزار يا كسي كه حفظ جان او واجب است به خطر بيفتد و بدون شكستن نماز رفع خطر ممكن نباشد بايد نماز را شكست، همچنين براي حفظ مالي كه نگهداري آن لازم است، امّا براي مالي كه اهمّيّت چنداني ندارد، مكروه است.  مسأله 1042ـ هرگاه مشغول نماز باشد و طلبكاري طلب خود را مطالبه كند، چنانچه بتواند در بين نماز طلب او را بدهد و صورت نماز به هم نخورد بهتر است در همان حال بپردازد، ولي اگر بدون شكستن نماز ممكن نيست صبر كند تا نماز تمام شود و اين مقدار تأخير منافات با فوريت اداي دين ندارد مگر اين كه ضرورت خاصي داشته باشد، مثل اين كه همراهان وهمسفران طلبكار مي روند واو به زحمت مي افتد.  مسأله 1043ـ هرگاه در اثناء نماز بفهمد مسجد نجس شده و تطهير مسجد نماز را به هم نزند آن را تطهير كند، در غير اين صورت بعد از نماز اقدام به تطهير مسجد نمايد و احتياط آن است كه نماز خود را طولاني نكند.  مسأله 1044ـ در مواردي كه شكستن نماز واجب است چنانچه ادامه دهد معصيت كرده و نماز او نيز اشكال دارد.  مسأله 1045ـ اگر پيش از ركوع متوجّه شود اذان و اقامه را فراموش كرده چنانچه وقت وسعت داشته باشد بهتر است نماز را بشكند و اذان و اقامه را بگويد و دوباره شروع كند.  **شكيّات نماز**  مسأله 1046ـ شكيّات نماز 23 قسم است:  1ـ شكهايي كه نماز را باطل مي كند و آن 8 قسم است.  2ـ شكهايي كه نبايد به آن اعتنا كرد و آن 6 قسم است.  3ـ شكهاي صحيح و آن 9 قسم است كه شرح همه آنها در مسائل آينده به خواست خدا مي آيد.  1ـ شكهاي باطل  مسأله 1047ـ شكهاي هشتگانه اي كه نماز را باطل مي كند به شرح زير است:  1ـ شك در ركعتهاي نماز دو ركعتي مانند نماز صبح و نماز مسافر، ولي شك در نمازهاي مستحب دو ركعتي نماز را باطل نمي كند.  2ـ شك در ركعتهاي نماز سه ركعتي (مغرب).  3ـ شك در نماز چهار ركعتي هرگاه يك طرف شك ،يك باشد، مثل اين كه شك كند يك ركعت خوانده يا سه ركعت.  4ـ شك در نمازهاي چهار ركعتي پيش از تمام شدن سجده دوم در حالي كه يك طرف شك دو باشد (مانند شك دو و سه قبل از اتمام دو سجده).  5ـ شك بين دو و پنج يا بيشتر از پنج.  6ـ شك بين سه و شش يا بيشتر (البتّه اين شكها كمتر اتّفاق مي افتد ولي در عين حال بايد حكم آن روشن شود).  7ـ شك بين چهار و شش يا بيشتر، ولي در اينجا احتياط واجب آن است كه مانند شك چهار و پنج عمل كند، يعني بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام كند و بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد و سپس نماز را دوباره بخواند.  8ـ شك در عدد ركعتهاي نماز كه اصلاً نداند چند ركعت خوانده است.  مسأله 1048ـ اگر يكي از شكهاي باطل در اثناء نماز براي انسان پيش آيد نمي تواند نماز را بشكند، بلكه بايد اوّل مقداري فكر كند اگر شك پابرجا شود، نماز را رها كند.  **2ـ شكهايي كه اعتبار ندارد**  مسأله 1049ـ شكهايي كه نبايد به آنها اعتنا كرد به شرح زير است:  1ـ شك بعد از محل  2ـ شك بعد از سلام  3ـ شك بعد از گذشتن وقت نماز  4ـ شك كثيرالشّك يعني كسي كه زياد شك مي كند.  5ـ شك امام و ماموم  6ـ شك در نمازهاي مستحبّي و شرح هر يك از اينها در مسائل آينده مي آيد.  **اوّل: شك بعد از محل**  مسأله 1050ـ هرگاه در اثناء نماز بعد از گذشتن محل چيزي، شك كند آن را به جا آورده يا نه مثل اين كه بعد از داخل شدن در ركوع، شك در حمد و سوره كند و يا بعد از ورود در سجده شك در ركوع كند، در هيچ يك از اين موارد نبايد به شك خود اعتنا كند، خواه جزء بعدي ركن باشد يا غير ركن.  مسأله 1051ـ هرگاه در آيات حمد يا سوره شك كند، مثلاً موقعي كه وارد آيه دوم شده شك كند آيه اوّل را خوانده يا نه يا وارد كلمه اي از يك آيه شده، شك كند كلمه قبل را خوانده بايد بنابر احتياط برگردد و آن را به قصد قربت به جا آورد و بعد دنبال آن را ادامه دهد.  مسأله 1052ـ هرگاه بعد از ركوع يا سجود بداند ذكر واجب را گفته امّا نمي داند با شرايط و بطور صحيح انجام داده يا نه، به شك خود اعتنا نكند.  مسأله 1053ـ اگر در حال برخاستن شك كند تشهّد را به جا آورده يا نه يا در حالي كه به سجده مي رود شك كند ركوع را به جا آورده يا نه احتياط واجب آن است كه برگردد و به جا آورد.  مسأله 1054ـ كسي كه نشسته يا خوابيده نماز مي خواند هرگاه موقعي كه حمد و تسبيحات مي خواند شك كند سجده يا تشهّد را به جا آورده يانه، بايد اعتنا نكند، امّا اگر پيش از آن كه مشغول حمد و تسبيحات شود شك كند بايد به جا آورد.  مسأله 1055ـ هرگاه قبل از گذشتن محل، شك كند و برگردد و به جا آورد، بعد معلوم شود آن جزء را انجام داده بود و بار دوم اضافه بوده، اگر ركن باشد نمازش باطل مي شود و اگر ركن نباشد صحيح است.  مسأله 1056ـ هرگاه بعد از گذشتن محل، شك كند و طبق دستور، اعتنا نكرده و بگذرد، بعد متوجّه شود كه آن عمل مشكوك را انجام نداده، هرگاه وارد ركن بعد نشده بايد برگردد و به جا آورد و اگر وارد ركن بعد شده نمازش صحيح است، مگر آن كه آن جزء مشكوكي كه ترك شده ركن باشد.  مسأله 1057ـ هرگاه شك كند كه «سلام» نماز را گفته يا نه يا شك كند درست گفته يا نه چنانچه وارد نماز ديگري شده، يا مشغول كاري است كه نماز را به هم مي زند،و از حال نمازگزار بيرون رفته بايد به شك خود اعتنا نكند و اگر پيش از اينهاست بايد برگردد و سلام را بگويد.  **دوم: شك بعد از سلام**  مسأله 1058ـ هرگاه بعد از سلام نماز شك كند كه نمازش صحيح بود يا نه خواه شك مربوط به عدد ركعتهاي نماز باشد يا شرايط نماز، مانند قبله و طهارت و يا اجزاي نماز مانند ركوع و سجود، به شك خود اعتنا نمي كند.  **سوم: شك بعد از وقت**  مسأله 1059ـ هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز شك كند كه نماز را خوانده يا نه يا حتّي گمان كند نخوانده است، به شك اعتنا نكند، ولي هرگاه پيش از گذشتن وقت نماز شك كند، بايد نماز را به جا آورد، حتّي اگر گمان دارد نماز را خوانده كافي نيست.  مسأله 1060ـ هرگاه بعد از گذشتن وقت نمازظهر و عصر بداند فقط چهار ركعت نماز خوانده، ولي نداند به نيّت ظهر بوده يا عصر بايد چهار ركعت نماز قضا به نيّت ما في الذّمّه (يعني نمازي كه بر او واجب است) خواه ظهر يا عصر به جا آورد، امّا اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا بداند يكي از آن دو نماز را به جا آورده ولي نداند مغرب بوده يا عشا بايدهم نماز مغرب را قضا كند و هم عشا را.  **چهارم: شك كثيرالشّك**  مسأله 1061ـ «كثيرالشّك» يعني كسي كه زياد شك مي كند نبايد به شك خود اعتنا كند، خواه در عدد ركعات نماز باشد، يا در اجزاي نماز، يا شرايط نماز.  مسأله 1062ـ كثيرالشّك كسي است كه بگويند زياد شك مي كند و اگر كسي در يك نماز سه مرتبه شك كند يا در سه نماز پشت سرهم شك كند كثيرالشّك است.  مسأله 1063ـ هرگاه به خاطر يك حالت فوق العاده مانند بيماري، غضب يا مصيبت موقّتاً گرفتار حالت كثرت شك شود بايد به شك خود اعتنا كرده و مطابق احكام آن رفتار كند.  مسأله 1064ـ منظور از اعتنا نكردن به شك اين است كه آن طرف را كه به نفع اوست بگيرد، مثلاً اگر شك كند سجده يا ركوع را به جا آورده، بنا بگذارد كه به جا آورده است، هرچند از محل آن نگذشته است، يا اگر شك كند نماز صبح را دو ركعت خوانده يا سه ركعت، بنا بگذارد كه دو ركعت خوانده است.  مسأله 1065ـ كسي كه فقط در يك مورد نماز زياد شك مي كند (مثلاً در حمد وسوره) چنانچه در چيزهاي ديگر شك كند بايد به دستور شك عمل نمايد، تنها درموردي كه زياد شك مي كند اعتنا نخواهد كرد، همچنين اگر كسي در نماز معيّني مانند نماز صبح زياد شك مي كند، فقط در آن بايد اعتنا نكند و نيز اگر كسي در مكان مخصوصي ( مثلاً وقتي در ميان جمع نماز مي خواند) زياد شك مي كند فقط در همان جا اعتنا به شك خود نمي كند.  مسأله 1066ـ هرگاه انسان شك كند كثيرالشّك شده يا نه بنا مي گذارد بر اين كه كثيرالشّك نشده و بعكس اگر كثيرالشّك بوده، تا يقين نكند به حال معمولي برگشته، بايد به شك خود اعتنا نكند.  مسأله 1067ـ كسي كه زياد شك مي كند اگر شك كند ركني را به جا آورده يا نه (مانند ركوع) و به آن اعتنا نكند بعد يادش بيايد كه آن را به جا نياورده است، چنانچه وارد ركن بعد نشده بايد آن را به جا آورد و اگر مشغول ركن بعد شده نمازش باطل است، ولي اگر غير ركن باشد و بعد يادش بيايد كه به جا نياورده، چنانچه وارد ركن بعد نشده به جا مي آورد و اگر وارد ركن بعد شده بر نمي گردد و نمازش صحيح است.  مسأله 1068ـ اشخاص وسواسي بايد به يقين و شك خود عمل نكنند بلكه مطابق اشخاص معمولي عمل كنند خواه يقين براي آنها حاصل شود يا نه، و الاّ در بسياري از موارد نمازشان باطل خواهد بود.  **پنجم: شك امام و مأموم**  مسأله 1069ـ اگر امام جماعت در عدد ركعتهاي نماز شك كند، مثلاً نداند سه ركعت خوانده يا چهارركعت هرگاه مأموم بداند چهار ركعت خوانده با علامتي به امام مي فهماند و امام بايد مطابق آن عمل كند و بعكس اگر امام مي داند چند ركعت خوانده، ولي مأموم شك مي كند، بايد از امام پيروي كند و به شك خود اعتنا نكند.  مسأله 1070ـ براي آگاه كردن امام ممكن است به عدد ركعات نماز دست بر زانو بزند، يا «اللّه اكبر» بگويد و يا به هر ترتيب ديگر كه سخن گفتن و كاري بر خلاف نماز انجام دادن در آن نباشد، ولي نبايد قبل از امام برخيزد و نماز خود را ادامه دهد.  **ششم: شك در نماز مستحبّي**  مسأله 1071ـ هرگاه در عدد ركعتهاي نماز مستحبّي شك كند مخيّر است بنا را بر كمتر بگذارد يا بيشتر، مگر اين كه طرف بيشتر، نماز را باطل كند كه در اين صورت بنا را بر كمتر مي گذارد، مثلاً اگر شك ميان يك و دو كند مخيّر است بنا را بر يك يا دو بگذارد، امّا اگر شك در ميان دو و سه كند حتماً بنا را بر دو، مي گذارد.  مسأله 1072ـ كم و زياد شدن ركن در نافله نيز اشكال دارد.  مسأله 1073ـ شك در افعال نماز مستحب با نماز واجب فرق ندارد، مثلاً اگر شك در حمد يا ركوع كند چنانچه محل آن نگذشته است بايد به جا آورد و اگر محلّ آن گذشته است اعتنا نكند.  مسأله 1074ـ در نمازهاي مستحبّي بنابر احتياط واجب بايد به ظنّ و گمان خود عمل كند، تا آنجا كه نماز را باطل نمي كند، مثلاً اگر گمانش به دو ركعت مي رود بنا بر آن بگذارد و اگر گمانش به سه ركعت مي رود بايد بنا بر همان دو بگذارد.  مسأله 1075ـ نمازهاي مستحب سجده سهو ندارد، يعني اگر كاري كند كه در نمازهاي واجب سجده سهو دارد، در نمازهاي مستحب سجده سهو لازم نيست، همچنين سجده و تشهّد فراموش شده در نمازهاي مستحب قضا ندارد.  مسأله 1076ـ هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز نافله شك كند آن را به جا آورده يا نه، اعتنا نكند و اگر وقت باقي است به جا آورد.  **3ـ شكهاي صحيح**  مسأله 1077ـ چنانچه گفته شد شك در عدد ركعتهاي نمازهاي چهار ركعتي در نُه صورت صحيح است:  اوّلـ شك ميان «دو و سه» بعد از سر برداشتن از سجده دوم: بايد بنابگذارد كه سه ركعت خوانده و يك ركعت ديگر بخواند و نماز را تمام كند و بعد از نماز، يك ركعت نماز احتياط ايستاده به دستوري كه بعداً گفته مي شود به جا آورد و اگر در سجده دوم بعد از ذكر واجب شك كند بنا بر احتياط واجب همين دستور را عمل كند، بعداً نماز را هم اعاده نمايد (اين حكم در تمام مواردي كه شك بايد بعد از تمام كردن سجده دوم باشد جاري است).  دوّمـ شك ميان «سه و چهار»: كه در هر جاي نماز باشد بنابر چهار مي گذارد و نماز را تمام كرده و بعداًزآن يك ركعت نماز احتياط ايستاده، يا دو ركعت نشسته، به جا مي آورد.  سومـ شك ميان «دو و چهار» بعد از سر برداشتن از سجده دوم: كه بايد بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام كند و بعد دو ركعت نماز احتياط ايستاده بخواند.  چهارمـ شك ميان «دو و سه و چهار» بعد از سر برداشتن از سجده دوم: بايد بنا را بر چهار بگذارد و بعد از نماز، دو ركعت نماز احتياط ايستاده، سپس دو ركعت نشسته به جا آورد.  پنجمـ شك ميان «چهار و پنج» بعد از سر برداشتن از سجده دوم: بنا را بر چهار مي گذارد و نماز را تمام مي كند و بعد از آن دو سجده سهو به جا مي آورد.  ششمـ شك ميان «چهار و پنج» در حال ايستاده: بايد بنشيند تا شك او تبديل به سه و چهار شود و بنا را بر چهار مي گذارد و نماز را تمام مي كند بعد يك ركعت نماز احتياط ايستاده، يا دو ركعت نشسته به جا مي آورد و احتياط واجب آن است كه نماز را نيز اعاده كند.  هفتمـ شك بين «سه و پنج» در حال ايستاده: بايد بنشيند و شك او به دو و چهار برمي گردد، بنا را بر چهار مي گذارد و نماز را تمام مي كند، سپس دو ركعت نماز احتياط ايستاده به جا مي آورد و بنابر احتياط واجب اصل نماز را نيز اعاده مي كند.  هشتمـ شك بين «سه و چهار و پنج» در حال ايستاده: بايد بنشيند و شك او به دو و سه و چهار برمي گردد، بنا را بر چهار مي گذارد و نماز را تكميل كرده، سپس دو ركعت نماز احتياط ايستاده و بعد دوركعت نشسته به جا مي آورد و احتياطاً اصل نماز را اعاده مي كند.  نهمـ شك ميان «پنج و شش» در حال ايستاده: بايد بنشيند و شك او به چهار و پنج بر مي گردد، نماز را تمام كرده و دو سجده سهو به جا مي آورد و بنابر احتياط اصل نماز را اعاده مي كند.  **مسائل متفرّقه شكيّات**  مسأله 1078ـ هرگاه يكي از شكهاي صحيح براي انسان پيش آيد نمي تواند نماز را بشكند، بلكه بايد به دستورهاي بالا عمل كند و در مورد تمام شكها بايد قبلاً كمي فكر كند اگر يقين به هيچ طرف حاصل نشد و يا گمان در مواردي كه معتبر است بر هيچ طرف قرار نگرفت، چنانچه از شكهاي باطل باشد نماز را رها مي كند و اگر از شكهاي صحيح باشد به دستور آن عمل مي نمايد.  مسأله 1079ـ ظن و گمان در ركعات نماز در حكم يقين است، يعني بايد بنابر گمان بگذارد و نماز را ادامه دهد، ولي اگر در ركعت اوّل و دوم باشد احتياط واجب اين است كه نماز را بعداً نيز اعاده كند.  مسأله 1080ـ هرگاه در ابتدا گمانش به يك طرف قرار گرفت و بعد هر دو مساوي شد و حالت شك پيدا كرد، بايد به دستور شك عمل كند و بعكس اگر نخست حالت شك داشت و بعد گمانش بيشتر به يك طرف شد، بايد مطابق گمان عمل كند، ولي اگر شك از شكهايي است كه نماز را باطل مي كند و پا برجا شد بايد نماز را از سر گيرد و مبدّل شدن آن به ظن اثري ندارد.  مسأله 1081ـ كسي كه نمي داند حالتي كه براي او پيدا شده است شك است يا ظن بايد به احكام شك عمل كند.  مسأله 1082ـ هرگاه مشغول تشهّد است، يا وارد ركعت بعد شده و شك كند آيا دو سجده را به جا آورده يا نه و در همان موقع يكي از شكهايي كه اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتّفاق بيفتد صحيح است براي او پيش آيد (مثلاً شك ميان دو و سه) بايد بنا بگذارد كه سجده ها را به جا آورده و به دستور شك عمل كند و نمازش صحيح است، ولي اگر قبل از گذشتن از محلّ سجده شك كند نمازش باطل است.  مسأله 1083ـ هرگاه شك او از بين برود و شك ديگري به جاي آن پيدا شود، بايد به شك دوم عمل كند، مثلاً اگر شك در ميان دو و سه بود، بعد يقين كرد سه ركعت را خوانده و شك ميان سه و چهار كرد، بايد به دستور شك سه و چهار عمل كند.  مسأله 1084ـ هرگاه مي داند در وسط نماز شك كرده، امّا نمي داند مثلاً شك دو و سه بوده، يا دو و چهار، احتياط واجب آن است كه به دستور هر دو عمل كند و نماز را نيز اعاده نمايد.  مسأله 1085ـ كسي كه نشسته نماز مي خواند اگر شكي كند كه بايد براي آن يك ركعت نماز احتياط ايستاده، يا دوركعت نشسته بخواند، بايد يك ركعت نماز نشسته به جا آورد و اگر شكي كند كه بايد براي آن دو ركعت نماز احتياط ايستاده بخواند بايد دو ركعت نشسته به جا آورد، همچنين در ساير شكها.  مسأله 1086ـ كسي كه نماز ايستاده مي خواند اگر موقع خواندن نماز احتياط از ايستادن عاجز شود، بايد مثل كسي كه نماز را نشسته مي خواند و حكم آن در مسأله قبل گذشت نماز احتياط را به جا آورد و بعكس كسي كه نماز نشسته مي خواند اگر موقع خواندن نماز احتياط بتواند بايستد بايد به وظيفه كسي كه نماز را ايستاده مي خواند عمل كند.  **طريقه نماز احتياط**  مسأله 1087ـ نماز احتياط كه براي شك در ركعتهاي نماز به جا آورده مي شود به اين ترتيب است كه بعد از سلام نماز بايد فورا نيّت نماز احتياط كند و اللّه اكبر بگويد و حمد را بخواند (و سوره را ترك كند) بعد به ركوع رود و مانند نمازهاي معمولي سجده نمايد، اگرنماز احتياط او يك ركعت است بعد از دو سجده تشهّد بخواند و سلام دهد و اگر دو ركعت است بعد از دو سجده يك ركعت ديگر را مثل ركعت اوّل به جا آورد و بعد از تشهّد سلام دهد.  مسأله 1088ـ نماز احتياط اذان و اقامه و سوره و قنوت ندارد و حمد را بايد آهسته بخواند، حتّي احتياط واجب آن است كه «بسم اللّه» را نيز آهسته بگويد ودر ميان اصل نماز و نماز احتياط كاري كه نماز را باطل مي كند انجام ندهد.  مسأله 1089ـ هرگاه قبل از خواندن نماز احتياط متوجّه شود نمازي را كه خوانده است درست بوده، نماز احتياط لازم نيست و اگر در وسط نماز احتياط بفهمد مي تواند آن را رها كند.  مسأله 1090ـ هرگاه پيش از خواندن نماز احتياط متوجّه شود كه ركعتهاي نمازش كم بوده، مثلاً به جاي چهار ركعت سه ركعت خوانده، چنانچه كاري كه نماز را باطل كند انجام نداده بايد آن مقدار را كه كم خوانده است انجام دهد و براي سلام بي جا احتياطاً دو سجده سهو به جا مي آورد و اگر كاري كه نماز را باطل مي كند انجام داده بايد نماز را اعاده كند.  مسأله 1091ـ هرگاه بعد از نماز احتياط بفهمد كسري نمازش درست به اندازه نماز احتياط بوده (مثلاً در شك ميان سه و چهار يك ركعت نماز احتياط بخواند و بعد بفهمد نماز راسه ركعت خوانده) نمازش صحيح است و اگر بفهمد كسري نماز كمتر از نماز احتياط بوده بنابر احتياط واجب بايد كسري نماز را بلافاصله به جا آورد و اصل نماز را هم اعاده كند و اگر بفهمد كسري نماز بيشتر از نماز احتياط بوده، چنانچه بعد از نماز احتياط كاري كه نماز را باطل كند انجام نداده، احتياط واجب اين است كسري نماز را به جا آورد و اصل نماز را هم اعاده كند.  مسأله 1092ـ اگر كسي شك كند نماز احتياطي كه بر او واجب بوده به جا آورده است يا نه،چنانچه بعد از وقت نماز باشد به شك خود اعتنا نكند و اگر هنوز وقت نماز باقي است در صورتي كه مشغول كار ديگري نشده بايد نماز احتياط را بخواند و اگر كاري كه نماز را باطل مي كند به جا آورده است احتياط واجب آن است كه نماز احتياط را بخواند و نماز را هم اعاده كند.  مسأله 1093ـ دستور نماز احتياط از نظر كم و زياد كردن ركن و اجزاي غير ركن و شك در به جا آوردن اجزا مانند ساير نمازهاي واجب است.  مسأله 1094ـ اگر در عدد ركعتهاي نماز احتياط نيز شك كند بايد بنا را بر بيشتر بگذارد، امّا اگر طرف بيشتر نماز را باطل مي كند، بنا را بر كمتر مي گذارد و نمازش صحيح است.  مسأله 1095ـ براي كم و زياد كردن اجزاء نماز احتياط از روي سهو، سجده سهو واجب نيست.  مسأله 1096ـ اگر در نماز احتياط تشهّد يا سجده را فراموش كند احتياط واجب آن است كه بعد از سلام، قضاي آن را به جا آورد.  مسأله 1097ـ هرگاه قضاي سجده يا قضاي تشهّد يا سجده سهو بر او واجب شده و در عين حال نماز احتياط نيز بر او واجب است بايد اوّل نماز احتياط را به جا آورد، بعد قضاي سجده يا تشهّد را و بعد سجده سهو را.  مسأله 1098ـ احكامي كه درباره شك و سهو و ظنّ در نمازهاي واجب روزانه گفته شد، در ساير نمازهاي واجب نيز عيناً وجود دارد، مثلاً اگر در نماز آيات شك كند كه يك ركعت خوانده يا دوركعت چون شك او در نماز دو ركعتي است نماز باطل مي شود، همچنين ساير احكام شك و سهو و ظنّ.  **مواردي كه سجده سهو واجب است**  مسأله 1099ـ براي چند چيز بنابر احتياط واجب بايد بعد از نماز دو سجده سهو به دستوري كه گفته مي شود به جا آورد:  1ـ كلام بي جا، يعني سهواً به گمان اين كه نماز تمام شده حرف بزند.  2ـ سلام بي جا، يعني مثلاً در ركعت دوم نماز چهار ركعتي سلام بدهد.  3ـ سجده فراموش شده.  4ـ تشهّد فراموش شده.  5ـ به جاي ايستادن سهواً بنشيند، يا به جاي نشستن برخيزد.  6ـ در شك ميان چهار و پنج بعد از سجده دوم واجب است نماز را تمام كند، بعداً دو سجده سهو بجا آورد و براي كم و زياد كردن غير اينها سجده سهو مستحبّ است.  **احكام سجده سهو**  مسأله 1100ـ اگر چيزي را غلط خوانده و دوباره بطور صحيح بخواند سجده سهو ندارد.  مسأله 1101ـ اگر در نماز چند كلمه يا چند جمله بگويد بطوري كه از صورت نمازگزار خارج نشود وهمه آن يكي حساب شود، دوسجده سهو براي همه كافي است.  مسأله 1102ـ هرگاه اشتباهاً «اَلسَّلامُ عَلَيْك اَيُّهَا النَّبِي وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ» رابگويد سجده سهو واجب نيست، بلكه مستحبّ است، ولي اگر مقداري از دو سلام ديگر را بگويد احتياط واجب انجام سجده سهو است و هرگاه هر سه سلام رادر جايي كه نبايد سلام دهد از روي اشتباه بگويد دو سجده سهو براي همه كفايت مي كند.  مسأله 1103ـ اگر سجده سهو واجب را بعد از سلام نماز عمداً به جا نياورده معصيت كرده و بايد هرچه زودتر به جا آورد، ولي نمازش باطل نيست.  مسأله 1104ـ اگر شك دارد كاري كه موجب سجده سهو مي شود انجام داده يا نه، چيزي بر او نيست و اگر شك كند دو سجده سهو بر او واجب شده يا چهار سجده سهو، همان دو سجده كافي است.  **دستور سجده سهو**  مسأله 1105ـ سجده سهو به ترتيب زير است بعد از نماز بلافاصله نيّت سجده سهو مي كند و بعد به سجده مي رود و مي گويد: «بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْك اَيُّهَا النَّبِي وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ» سپس سر از سجده بر مي دارد و مي نشيند، دوباره به سجده مي رود و همان ذكر را مي گويد و بعد از آن كه سر از سجده برداشت تشهّد مي خواند و سلام مي دهد و احتياط آن است كه در تشهّد به مقدار واجب اكتفا كند و تنها به سلام آخر قناعت نمايد.  مسأله 1106ـ سجده سهو بايد رو به قبله و با حالت وضو و طهارت باشد و پيشاني را نيز بر چيزي گذارد كه سجده نماز بر آن جايز است.  **قضاي سجده و تشهّد فراموش شده**  مسأله 1107ـ هرگاه كسي يك يا چند سجده نماز را فراموش كرد بايد قضاي آن را بعد از نماز به جا آورد (البته اگر دو سجده از يك ركعت فراموش شود نماز باطل است) همچنين اگر تشهّد را فراموش نمايد بايد بلافاصله بعد از نماز آن را قضا كند و علاوه بر قضاي سجده و تشهّد بايد براي هر كدام بنابر احتياط واجب دو سجده سهو به جا آورد (ولي چنان كه قبلاً نيز گفته شد تشهّد سجده سهو، كفايت از تشهّد فراموش شده مي كند).  مسأله 1108ـ در قضاي سجده و تشهّد فراموش شده تمام شرايط نماز مانند طهارت و قبله و شرطهاي ديگر لازم است و بايد بلافاصله بعد از نماز انجام دهد.  مسأله 1109ـ اگر يك سجده و تشهّد را فراموش كند احتياط واجب آن است كه هر كدام را اوّل فراموش كرده اوّل قضا كند و اگر نداند كدام يك را اوّل فراموش كرده احتياطاً يك سجده و بعد يك تشهّد و بار ديگر يك سجده به جا مي آورد، تا يقين كند سجده و تشهّد رابه ترتيبي كه فراموش كرده قضا كرده است.  مسأله 1110ـ هرگاه بعد از نماز كاري كند كه صورت نماز را به هم مي زند يا نماز را باطل مي كند (مثل اين كه پشت به قبله كند) بايد قضاي سجده و تشهّد را به جا آورد و نماز را بنابر احتياط واجب اعاده كند و اگر كاري كند كه سجده سهو مي آورد، بعد از قضاي سجده يا تشهّد احتياط آن است كه سجده سهو به جا آورد.  مسأله 1111ـ اگر شك دارد كه سجده يا تشهّد را فراموش كرده يا نه واجب نيست قضا كند و اگر مي داند يكي را فراموش كرده، امّا نمي داند كدام يك بوده، هر دو را قضا كند و هر كدام را اوّل به جا آورد مانعي ندارد.  مسأله 1112ـ هرگاه علاوه بر قضاي سجده يا تشهّد، سجده سهو نيز بر ذمّه او باشد، بايد بعد از نماز اوّل سجده يا تشهّد را قضا كند و بعد سجده سهو را به جا آورد.  مسأله 1113ـ هرگاه شك كند كه آيا قضاي سجده يا تشهّد فراموش شده كه بر عهده او بود بعد از نماز به جا آورده يا نه، چنانچه وقت نماز نگذشته سجده يا تشهّد را قضا نمايد و اگر گذشته نيز بنابر احتياط واجب بايد قضاي آن را به جا آورد و نماز او صحيح است.  مسأله 1114ـ براي قضاي سجده يا تشهّد، بعد از نماز نيّت مي كند، سپس همان سجده يا تشهّد را بدون اللّه اكبر و چيز اضافي ديگر قضا مي كند و بعد بنابر احتياط سجده سهو به جا مي آورد.  **خلل در اجزاء و شرايط نماز**  مسأله 1115ـ اگر چيزي از واجبات نماز را عمداً كم و زياد كند نماز او باطل است، امّا اگر به واسطه ندانستن مسأله باشد اگر آن جزء از اركان نماز است، نماز باطل مي شود و اگر غير اركان است، نمازش صحيح است به شرط اين كه جاهل قاصر باشد، يعني دسترسي براي يادگرفتن مسأله نداشته باشد.  مسأله 1116ـ هرگاه سهواً چيزي از اجزاي نماز را كم و زياد كند اگر از اركان نماز باشدنماز باطل است واگر از غيراركان باشد نماز صحيح است و در صورتيكه شرايطي مثل وضو يا غسل انجام نشده باشد نماز باطل است، خواه عمداً باشد يا سهواً.  مسأله 1117ـ اگر پيش از سلام نماز يادش بيايد كه يك ركعت يا بيشتر از آخر نماز را نخوانده، بايد آن را به جا آورد و نمازش صحيح است، ولي اگر بعد از سلام متوجّه شود چنانچه كاري كه نماز را عمداً و سهواً باطل مي كند (مانند پشت به قبله كردن) انجام داده نماز باطل است و اگر انجام نداده بايد بلافاصله ركعت هاي فراموش شده را به جا آورد و نمازش صحيح است و احتياط واجب آن است كه سجده سهو براي سلام بي جا انجام دهد.  مسأله 1118ـ هرگاه بفهمد نماز را پيش از وقت خوانده، يا پشت به قبله به جا آورده، بايد آن را اعاده كند و اگر وقت گذشته قضا نمايد، امّا اگر سهواً نماز را به طرف راست يا چپ خوانده نماز باطل نيست.  **نماز قضا**  مسأله 1193ـ هركس نماز واجب را در وقت آن ترك كند بايد قضاي آن را به جا آورد، هر چند در تمام وقت نماز خواب بوده، يا به واسطه بيماري، يا مستي، نماز را نخوانده باشد، امّا كسي كه در تمام وقت بي هوش بوده، قضا بر او واجب نيست، همچنين كافري كه مسلمان شده و زني كه در حال حيض يا نفاس بوده.  مسأله 1194ـ هرگاه بعد از وقت نماز بفهمد نمازي را كه خوانده باطل بوده بايد آن را قضا كند.  مسأله 1195ـ كسي كه نماز قضا برعهده دارد بايد درخواندن آن كوتاهي نكند، ولي واجب نيست آن را فوراً به جا آورد، مگر آنكه يك يا دو نماز قبل از آن قضا شده باشد كه احتياط واجب اين است كه پيش از نماز همان روز آن را قضا كند.  مسأله 1196ـ كسي كه نماز قضا بر ذمّه دارد مي تواند نماز مستحبّي بخواند و خواندن نماز قضا قبل از نماز يوميّه يا بعد از آن مانعي ندارد.  مسأله 1197ـ اگر كسي گمان دارد بعضي از نمازهاي گذشته او صحيح نبوده، يا فراموش كرده است، احتياط مستحب آن است كه قضاي آن را به جا آورد.  مسأله 1198ـ در نماز قضا ترتيب واجب نيست، جز در ميان قضاي ظهر و عصر و مغرب و عشاء از يك روز.  مسأله 1199ـ كسي كه چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمي داند، مثلاً نمي داند دو نماز بوده يا سه نماز، كافي است مقدار كمتر را بخواند، امّا اگر قبلاً شماره آنها را مي دانسته، ولي به واسطه سهل انگاري فراموش كرده، احتياط واجب آن است كه مقدار بيشتر را بخواند.  مسأله 1200ـ كسي كه نماز قضا از روزهاي پيش بر ذمّه دارد مي تواند قبل از خواندن نماز قضا به نمازاداي روزانه مشغول شود، مگر آنكه يك يا دو نماز قبل از آن باشد كه بنابر احتياط واجب بايد قبلاً بجا آورد.  مسأله 1201ـ كسي كه مي داند يك نماز چهار ركعتي بر ذمّه دارد، امّا نمي داند قضاي ظهر بوده يا عصر يا عشاء اگر يك نماز چهار ركعتي به نيّت ما في الذّمّه يعني قضايي كه بر عهده اوست بخواند كافي است و در بلند خواندن و آهسته خواندن حمد و سوره مخيّر است.  مسأله 1202ـ هيچ كس نمي تواند نماز قضاي ديگري را كه در حال حيات استبه جا آورد، هر چند او از خواندن نماز قضا عاجز باشد، امّا بعد از مردنمانعي ندارد.  مسأله 1203ـ نماز قضا را مي توان با جماعت خواند، خواه نماز امام جماعت ادا باشد يا قضا، ولي احتياط اين است كه هر دو يك نماز را بخوانند، مثلاً نماز قضاي ظهر را با نماز ظهر بخواند و نماز قضاي عصر را با نماز عصر.  مسأله 1204ـ مستحبّ است كودكي كه خوب و بد را تميز مي دهد به نماز خواندن و ساير عبادتها عادت دهند، بلكه مستحبّ است او را به قضاي نماز تشويق كنند (البتّه نبايد اين كار به صورتي انجام گيرد كه موجب ناراحتي و بيزاري او از نماز گردد).  **نماز قضاي پدر و مادر**  مسأله 1205ـ بر پسر بزرگتر (يعني بزرگترين پسري كه بعد از مرگ آنها در حال حيات است) واجب است كه نماز و روزه هايي كه از پدر يا مادرش فوت شده و از روي نافرماني نبوده و توانايي بر قضا داشته، بعد از مرگ آنها به جا آورد، بلكه اگر از روي نافرماني هم ترك كرده باشد بنابر احتياط مستحب بايد به همين طور عمل كند، همچنين روزه اي را كه در سفر نگرفته هرچند توانايي قضاي آن را پيدا نكرده احتياط آن است كه پسر بزرگتر قضا نمايد.  مواردي كه نماز قضاي پدر و مادر بر پسر بزرگتر واجب نيست  مسأله 1206ـ هرگاه شخص ديگري آن نماز و روزه را قضا نمايد از پسر بزرگتر ساقط مي شود.  مسأله 1207ـ اگر پسر بزرگتر نمي داند كه از پدر يا مادرش نماز و روزه اي قضا شده يا نه، چيزي بر او واجب نيست و تفحّص و جستجو نيز لازم نمي باشد.  مسأله 1208ـ اگر پسر بزرگتر از دنيا برود بر ساير پسران تكليفي نيست.  مسأله 1209ـ اگر معلوم نباشد پسر بزرگتر كدام است يعني تاريخ تولّد پسرها درست روشن نباشد، قضاي نماز و روزه پدر و مادر بر هيچ كدام واجب نيست، ولي احتياط مستحب آن است كه بين خودشان قسمت كنند.  مسأله 1210ـ پسر بزرگتر هنگام قضاي نماز و روزه پدر و مادر بايد به تكليف خود عمل كند، يعني دستورات نماز و روزه را مطابق حكم مرجع تقليد خود به جا آورد.  مسأله 1211ـ كسي كه خودش نماز و روزه قضا دارد و نماز و روزه پدر و مادر نيز بر او واجب شده، هركدام را اوّل به جا آورد صحيح است.  مسأله 1212ـ هرگاه پسر بزرگتر در موقع مرگ پدر يا مادر نابالغ يا ديوانه بوده، هروقت بالغ و عاقل شود بايد نماز و روزه پدر يا مادر را قضا نمايد.  **نماز استيجاري**  مسأله 1213ـ اجير گرفتن براي قضاي نماز و عبادتهاي ديگر از طرف اموات خالي از اشكال نيست، مگر در حج و اگر كسي بخواهد در عبادتهاي ديگر اجير بگيرد قصد رجاء كند، امّا به جا آوردن نماز و روزه قضا و همچنين نماز و روزه مستحبّي به قصد قربت و بدون گرفتن اجرت اشكالي ندارد.  مسأله 1214ـ انسان مي تواند براي بعضي از كارهاي مستحب مانند زيارت قبر پيغمبر(صلي الله عليه وآله) و امامان(عليهم السلام) از طرف زندگان اجير شود، ولي احتياط واجب آن است كه پول را براي مقدّمات كار بگيرد و نيز مي تواند اعمال مستحبّي را انجام دهد و ثواب آن را به اموات يا زنده ها هديه نمايد.  مسأله 1215ـ كسي كه براي نماز قضاي ميّت اجير شده، بايد مسائل نماز را بخوبي بداند و قرائت او صحيح باشد.  مسأله 1216ـ شخصي كه مي خواهد از طرف ديگري نماز يا روزه، يا عبادت ديگري، به جا آورد بايد در موقع نيّت، ميّت را معيّن كند، لازم نيست اسم او را بداند، همين اندازه كه علامت و نشانه اي براي او در قصد و نيّت خود قرار دهد كافي است.  مسأله 1217ـ شخص نايب بايد خود را به جاي ميّت فرض كند و عبادتي را كه بر ذمّه اوست قضا نمايد و اگر عملي را انجام دهد و ثواب آن را براي او هديه كند دين او ادا نمي شود.  مسأله 1218ـ در صورتي ذمّه ميّت ادا خواهد شد كه اطمينان پيدا شود كه نايب نماز را خوانده است و اگر شك كند كافي نيست، ولي اگر يقين داشته باشد نماز را خوانده امّا نداند صحيح انجام داده يا نه اشكال ندارد.  مسأله 1219ـ اگر نايب بگويد نماز را خوانده ام تنها به گفته او نمي توان قناعت كرد مگر اين كه فرد مورد اطميناني باشد.  مسأله 1220ـ شخصي كه از ميّت نيابت مي كند بايد كسي باشد كه در انجام اجزاء و شرايط نماز معذور نباشد، مثلاً كسي كه نشسته نماز مي خواند نمي تواند نايب شود، حتّي بنابر احتياط واجب كسي كه با تيمّم يا جبيره نماز مي خواند نيابت نكند.  مسأله 1221ـ مرد مي تواند براي زن و زن براي مرد نيابت كند و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز بايدبه وظيفه خودش عمل نمايد، نه وظيفه ميّت و لازم نيست قضاي نمازهاي ميّت به ترتيب خوانده شود، خواه ترتيب آن را بداند يا نداند، مگر در مورد ظهر و عصر، يا مغرب و عشا از يك روز كه رعايت ترتيب در آن لازم است.  مسأله 1222ـ كسي كه اجير براي قضاي نماز و روزه مي شود اگر طرز مخصوصي را با او شرط كنند (مثلاً بگويند نماز را بايد در مسجد يا در فلان ساعت بخواند) بايد به شرط عمل كند، امّا اگر شرط خاصّي با او نكنند مطابق تكليف خود و طبق معمول انجام دهد و در مستحبّات نيز آنچه معمول است به جا مي آورد و بيش از آن لازم نيست مگر شرط كنند، خواندن نماز آيات نيز تا شرط نكنند لازم نيست.  مسأله 1223ـ هرگاه اشخاص متعدّدي را براي قضاي نماز ميّت اجير كند لازم نيست براي هر كدام وقت معيّني را تعيين نمايد، بلكه آنها مي توانند در هر وقت كه بخواهند نماز را به جا آورند، ولي براي رعايت ترتيب بين نمازهاي قضا احتياط مستحب آن است كه براي هر كدام از آنها وقتي را معيّن نمايد، مثلاً با يكي قرار مي گذارد كه در فاصله صبح تا ظهر نماز قضا به جا آورد و با ديگري از ظهر تا شب و نيز بهتر است هريك از آنها مقدار نمازي را كه مي خواند با ديگري شبيه باشد، مثلاً اگر از نماز ظهر شروع مي كند و تا نماز صبح پايان مي دهد (خواه يك شبانه روز بخواند يا چند شبانه روز) ديگري نيز از ظهر شروع كند و به صبح خاتمه دهد.  مسأله 1224ـ هرگاه شخص اجير پيش از تمام كردن نماز و روزه اي كه اجير شده بود از دنيا برود درحاليكه اجرت همه آنها را گرفته، اگر شرط كرده باشند تمام نمازها را خودش به جا آورد بايد اجرت مقداري را كه نخوانده از مال او برگردانند و اگر چنين شرطي نكرده اند بايد ورثه از مال او كسي را اجير كنند تا باقيمانده را بجا آورد و اگر مالي ندارد چيزي بر ورثه واجب نيست، ولي بهتر است دين ميّت را ادا كنند.  مسأله 1225ـ هرگاه اجير پيش از تمام كردن عمل از دنيا برود و خودش نيز نماز قضا بر ذمّه داشته باشد، بايد از مال او براي نمازهايي كه اجير بوده ديگري را اجير كنند و يا اگر شرط كرده اند خودش به جا آورد باقيمانده را برگردانند، امّا براي نمازهاي خودش نمي توانند از مال او بردارند مگر با رضايت ورثه و يا در صورتي كه وصيّت كرده از ثلث مالش به مصرف نماز برسانند. |  |

www.7-sky.blog.ir